



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة  
والتسلیم

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



سید ابو القاسم حسینی

# سکون

زندگینامہ حضرت معصومہ

و تاریخ مختصری الرشیدیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عمّه سادات زندگی حضرت معصومه

نویسنده:

سید ابوالقاسم حمیدی

ناشر چاپی:

مسجد مقدّس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	عمه سادات زندگی حضرت معصومه سلام الله علیها
۹	مشخصات کتاب
۹	سخن ناشر
۱۰	فصل اول: تاریخ قم
۱۰	تاریخ قم
۱۱	چرا قم را (قم) گفتند؟
۱۲	قم قبل از اسلام
۱۲	قم پس از اسلام
۱۲	مهاجرت شیعیان کوفه به قم و تشیع قمی‌ها
۱۳	قم آماده استقبال از آل علی علیه السلام
۱۳	استقبال مردم قم از فرماندار شیعه
۱۴	قم مرکز شیعیان
۱۴	قم شهر قیام و خون
۱۵	داستان دعل و عشق قمی‌ها به خاندان رسالت
۱۵	احادیث مربوط به قم و اهل آن
۱۶	سرّ قداست قم
۱۷	برگزیدن شهر قم
۱۷	مزایا و افتخارات مردم قم
۱۷	فصل دوم: زندگی حضرت معصومه علیها السلام
۱۷	پدر بزرگوار حضرت معصومه علیها السلام
۱۷	حضرت نجمه خاتون مادر حضرت معصومه علیها السلام
۱۹	روز ولادت و وفات

۱۹	بررسی و شرح کوتاه
۲۰	شادی و سرور ولادت
۲۰	سن حضرت
۲۰	چرا حضرت معصومه علیها السلام ازدواج نکرده است
۲۱	احترام به مقدسات مذهبی
۲۱	شباهت حضرت معصومه علیها السلام به حضرت زینب علیها السلام
۲۲	منزلت شهر قم
۲۲	امام رضاعلیه السلام و لقب معصومه
۲۳	القاب حضرت معصومه علیها السلام
۲۳	عالمه آل عبا
۲۴	تاریخ وفات حضرت معصومه علیها السلام
۲۴	خواهران و برادران حضرت معصومه علیها السلام
۲۴	مخدرات دیگری که در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام دفن هستند
۲۴	فصل سوم: زیارت حضرت معصومه علیها السلام
۲۴	واژه زیارت
۲۵	فضیلت زیارت
۲۶	سند زیارت‌نامه
۲۷	زیارت حضرت معصومه علیها السلام از منظر روایات
۲۷	زیارت نقل شده درباره حضرت معصومه علیها السلام
۲۷	اهتمام شیعه به زیارت حضرت معصومه علیها السلام
۲۸	محبت و مباحثات حضرت معصومه علیها السلام به امام هشتم علیه السلام
۲۸	شفاعت حضرت معصومه علیها السلام
۲۸	بیت التور یا محراب عبادت حضرت معصومه علیها السلام
۲۹	دو نکته مهم و قابل توجه

- فصل چهارم: کرامات حضرت معصومه علیها السلام ..... ۲۹
- توضیحی درباره کرامت و ولایت تکوینی ..... ۲۹
- چند کرامت از حضرت معصومه علیها السلام ..... ۳۰
- ۱ - محروم از فیض حضور ..... ۳۰
- ۲ - نجات گروه سرگردان با راهنمایی حضرت معصومه علیها السلام ..... ۳۰
- ۳ - رفع خطر شدید سیل: ..... ۳۱
- ۴ - نقاره‌خانه به صدا درآمد (۱۱۸) ..... ۳۱
- ۵ - توسل ملاصدرا به حضرت معصومه علیها السلام ..... ۳۱
- ۶ - هلاکت مزدور گستاخ ..... ۳۲
- ۷ - شفای دخترک مبتلا به فلج ..... ۳۲
- ۸ - لطف حضرت معصومه علیها السلام به مداحش ..... ۳۲
- ۹ - شفای سید فلج ..... ۳۳
- ۱۰ - شفا در حرم حضرت معصومه علیها السلام با عنایت حضرت عباس علیه السلام ..... ۳۳
- ۱۱ - توجه حضرت معصومه علیها السلام به خدمت‌گزار شهداء ..... ۳۴
- فصل پنجم امام‌زادگان مدفون در قم ..... ۳۵
- امام زادگانی که در کنار مرقد حضرت معصومه علیها السلام مدفونند ..... ۳۵
- موسی مبرقع ..... ۳۵
- امام‌زادگان معروف قم ..... ۳۵
- چهل اختران ..... ۳۶
- شاه حمزه ..... ۳۶
- شاه‌زاده احمد ..... ۳۶
- امام‌زاده سلطان محمد شریف ..... ۳۶
- امام‌زاده علی بن جعفر علیه السلام ..... ۳۶
- باغ گنبد سبز ..... ۳۷

- ۳۷ ..... امامزاده سید علی معروف به شاه سید علی علیه السلام
- ۳۷ ..... امام زاده احمد
- ۳۷ ..... امامزادگان خاک فرج
- ۳۷ ..... امامزاده صفورا و عمویش
- ۳۷ ..... امامزاده ناصرعلیه السلام
- ۳۸ ..... شاهزاده احمد قاسم‌علیه السلام
- ۳۸ ..... فصل ششم: مساجد معروف و شخصیت‌ها و پادشاهان مدفون در قم
- ۳۸ ..... مساجد معروف قم
- ۳۸ ..... اشاره
- ۳۸ ..... ۱ - مسجد مقدّس جمکران
- ۳۹ ..... ۲ - مسجد امام حسن عسکری علیه السلام
- ۳۹ ..... ۳ - مسجد جامع (جمعه)
- ۳۹ ..... ۴ - مسجد عشقعلی
- ۴۰ ..... ۵ - مسجد بالاسر
- ۴۰ ..... ۶ - مسجد محلّه پنجه علی
- ۴۰ ..... ۷ - مسجد اعظم
- ۴۰ ..... شخصیت‌های برجسته شیعه در قم
- ۴۰ ..... شخصیت‌های معروف مدفون در قم
- ۴۱ ..... پادشاهان مدفون در قم
- ۴۲ ..... منابع
- ۴۲ ..... پی نوشت ها
- ۴۵ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## عمه سادات زندگی حضرت معصومه سلام الله عليها

### مشخصات کتاب

سرشناسه: حمیدی، ابوالقاسم عنوان و نام پدیدآور: عمه سادات زندگی حضرت معصومه سلام الله عليها: و تاریخ مختصر شهر مقدس قم/ابو القاسم حمیدی. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری: ۱۰۳ص. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۹۷-۴ یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۹۰(فیپا). موضوع: معصومه (س) بنت موسی کاظم (ع)، ۱۸۳؟ - ۲۰۱؟ ق موضوع: معصومه س بنت موسی کاظم (ع)، ۱۸۳؟ - ۲۰۱؟ ق -- کرامت‌ها موضوع: قم -- تاریخ شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۵۲/۲م ۶ح ۸ ۱۳۸۶ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۶ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۳۵۰۰۸

### سخن ناشر

امروز دنیای اسلام به قم و حوزه علمیه با برکت آن که سرچشمه دانش، فضیلت و تقوا است افتخار می‌کند، سربلندی او را سربلندی خود، آبادانی آن را آبادانی خود و عزت آن را عزت خود می‌داند. همین ویژگی‌ها است که شهر قم را از دیگر شهرها متمایز می‌کند و آن را کاملاً منحصر به فرد می‌نماید. قم الگوی بیداری اسلام، خیزش حرکت انقلاب و ظلم‌ستیزی است و البته که در زمینه‌های دیگر و عرصه‌های گوناگون هم باید الگو باشد. قم به یمن وجود با برکت حضرت فاطمه معصومه عليها السلام قابلیت آن را دارد که در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، عمرانی، اقتصادی، در بالاترین جایگاه قرار گیرد و نمونه‌ای از مدینه فاضله اسلامی را به دنیا معرفی کند. قم از استعداد بالایی برای پیشرفت و رشد برخوردار است به شرطی که مسئولان محترم با درک موقعیت و جایگاه ویژه شهر حضرت معصومه عليها السلام از تمام ظرفیت‌ها، استعدادها و امکانات برای رسیدن به این چشم‌انداز استفاده کنند. خدمت به قم خدمت به حضرت فاطمه معصومه عليها السلام است و خدمت به حضرت فاطمه معصومه عليها السلام خدمت به رسول الله صلی الله علیه و آله است و چه افتخاری برای مسئولان بهتر و بالاتر از این؟ امروزه ده‌ها و صدها هزار زائر مشتاقانه خود را به قم می‌رسانند و به رغم آب و هوای کویری و نامناسب و امکانات بسیار کم، رنج سفر را بر خود هموار می‌کنند تا بهره‌ای از فیوضات حرم مطهر و مسجد مقدس جمکران برده و دل و جان‌شان را با نور اهل بیت علیهم السلام منور گردانند. به همت مسئولان محترم، کنگره‌ها و اجلاس‌های خوبی در بزرگداشت مقام والای حضرت فاطمه معصومه عليها السلام و مکانت قم برگزار شده و می‌شود، امّا چه خوب است در کنار این برنامه‌های فکری، برنامه‌ای برای آشنایی هرچه بهتر و بیشتر توده مردم به خصوص دانش آموزان و دانشجویان با شخصیت نورانی کریمه اهل بیت و رعایت شؤونات و آداب همجواری با حضرت فاطمه معصومه عليها السلام به عمل بیاید، اگر چنین شود، هنگام اقامه نماز جماعت در حرم مطهر، کسبه محترم، به خصوص کسبه اطراف حرم مطهر، به نماز جماعت و ادای نماز اول وقت در حرم مطهر اهتمام بیشتری می‌ورزند. فضای شهری که ملقب به حرم اهل بیت است باید به گونه‌ای باشد که از در و دیوار آن معنویت بیارد و هرکس وارد این شهر شود تحت تأثیر این فضای فرهنگی و ملکوتی قرار گیرد و اثرات معنوی و فرهنگی آن، جای جای نقاط کشور عزیزمان و حتی دیگر نقاط جهان را فراگیرد. سخن آخر این که همه موظفیم برای تحقق منویات و دیدگاه‌های معصومین علیهم السلام تلاش کنیم و قم را به گونه بسازیم که آن بزرگواران انتظار دارند. و امید است در پناه حضرت حق جل و علا و عنایت ویژه حضرت مهدی «عجل الله تعالی وجه الشریف» بتوانیم در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، اهداف بلند حضرت امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای «دام ظلّه» را عملی سازیم و شهری در خور شأن کریمه اهل بیت علیهم السلام را داشته باشیم در پایان از عزیزان همکار در انتشارات و مسجد مقدس جمکران به ویژه حضرت آیت الله وافی که با عنایت خود مشوق ما هستند و برادر ارجمند حجت الاسلام و المسلمین

سید ابوالقاسم حمیدی که زحمت جمع‌آوری این مجموعه را کشیده‌اند کمال تشکر و امتنان را داریم. مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

## فصل اول: تاریخ قم

### تاریخ قم

قم از حیث تقسیمات جغرافیایی در ناحیه کویر مرکزی ایران قرار دارد، از طرفی با تهران و از یک طرف با ساوه و از طرف دیگر با اصفهان و کاشان همسایه می‌باشد. کلمه قم بنا بر نقل صاحب کتاب معجم البلدان به ضم قاف و تشدید میم است، و از بلاد و شهرهایی است که بنای آن به زمان اسلام رسیده و اثری از عجم در او یافت نمی‌شود، مورخ نامبرده مطالب زیادی درباره قم مثل آب و هوا و طریقه جمع نمودن آب در زمستان و استفاده از آن را در تابستان و نگه‌داری آن نقل می‌کند. چنانچه در فراز دیگری می‌گوید: اهل قم تمامی شیعه دوازده امامی هستند، و در زمان حجاج بن یوسف (سال ۸۳ قمری) عبدالرحمن فرزند محمد ابن اشعث که حاکم سجستان بود بر علیه حجاج قیام کرد که در لشکر او عده‌ای از تابعین صحابه بودند، و چون در این قیام شکست خورد و به کابل فرار کرد، پنج نفر از سپاهیان او به نام عبدالله، احوص، عبدالرحمن، اسحاق و نعیم که از فرزندان سعد بن مالک بن عامر اشعری بودند به قم آمدند و آنجا را مسکن و جایگاه خود قرار دادند. در آن زمان قم خود متشکل از هفت قریه کوچک بود که نام یکی از آنها کُمنُدان بود، این جماعت از عرب‌ها داخل شدند و ساکنین آنجا را کشتند و بر این ناحیه مسلط شدند تا حدی که پسر عموهای آنها نیز به آنها ملحق شده و این هفت قریه را محل واحدی قرار داده و اسم آن را کُمنُدان گذاردند و بعد از آن در اثر گذشت زمان و تغییر حروف آن تبدیل به قم شد. و در میان این برادران، ارشد آنها عبدالله بن سعد بود که فرزندی داشت که در کوفه تربیت یافته بود، بعد از آن به قم آمد و او تشیع را از کوفه به قم منتقل نمود، به حدی که در آن زمان که تشیع در اقلیت کمی بود، در قم حتی یک سنی پیدا نمی‌شد. از حکایات ظریفه‌ای که نقل می‌کنند این است که در یکی از زمان‌ها حاکم سنی متعصبی حکومت می‌کرد، شنید که مردم قم خلفای غاصب بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله را لعن می‌کنند، به حدی که در میان آنها شخصی به نام ابوبکر و عمر یافت نمی‌شود، روزی شخصی را فرستاد و رؤسا و بزرگان اهل قم را دعوت کرد و به آنها گفت: شنیده‌ام که شما صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله را لعن می‌کنید، و با آنها دشمن هستید، و بچه‌های خود را به نام آنها نام گذاری نمی‌کنید، من قسم خورده‌ام به خداوند بزرگ که اگر شخصی را پیدا نکنید و نیاورید که اسم او ابوبکر و یا عمر باشد، شما را سخت عقوبت خواهم کرد. بزرگان قم از حاکم مهلت خواسته تا این چنین شخصی را پیدا کنند، کوشش‌ها به نهایت رسید و کسی را پیدا نکردند، تا یک نفری غریب را پیدا کردند که از هر جهت دارای نقص عضو و از حیث شکل و قیافه بدترین خلق خدا بود او را به نزد حاکم آوردند، حاکم تا این مرد را دید شروع کرد به فحش دادن به بزرگان قم که شما بد شکل‌ترین و بدقیافه‌ترین خلق خدا را آورده‌اید تا آبروی مرا ببرید؟ و دستور داد تا آنها را زندانی کنند، در این حال یکی از ظریفان قمی گفت: ای امیر! هر کاری می‌خواهی انجام بده، اینجا قم است و آب و هوای قم کسی که اسمش ابوبکر و یا عمر باشد بهتر از این تربیت نمی‌کند. حاکم خندید و از گناه آنها درگذشت و امر کرد که آنها را آزاد کنند. (۱) این موقعیت قم بود تا زمانی که خود شهری مستقل شد و بعد از آنکه محل مرقد حضرت معصومه علیها السلام شد، بر موقعیت اجتماعی آن افزوده گردید و محل و مأوایی شد برای شیعیان ستم‌دیده که از ظلم و جور خلفای بنی‌عباس فرار می‌کردند. ولی زمان مقارن شد با حمله گسترده مغولان و شهر قم نیز از وحشیگری آنها مصون نماند و تبدیل به تلی از خاک گردیده و این واقعه تأسف بار در دفعات متعددی در تاریخ قم تکرار شده است که عبارت‌اند از: حمله مأمون عباسی به سبب امتناع مردم قم از دادن خراج و مالیات، قتل عام در زمان معتز عباسی پسر

متوکل، قتل عام و تخریب شهر در زمان امیر تیمور گورگانی، خراب شدن قم در زمان حمله افغانی‌ها به سرپرستی محمود افغان و اشرف افغان در اواخر سلطنت شاه سلطان حسین صفوی، کشتار بی رحمانه آقا محمد خان قاجار و نادر شاه افشار. (۲)

### چرا قم را (قم) گفتند؟

علل مختلفی برای وجه نام گذاری این شهر به (قم) ذکر کرده‌اند، ما در اینجا به طور اختصار هر یک از آن‌ها را خاطر نشان می‌کنیم: ۱ - کلمه (قم) معرب (کومه) است، با این توضیح: که این سرزمین پیش از آن که به صورت شهر درآید، دارای گودال‌های پرآبی بود، چوپانان گوسفندان خود را برای آشامیدن آب و چریدن در سبزه‌زارهای اطراف آن گودال‌ها می‌برده‌اند. به تدریج چوپانان به خاطر توقف طولانی در آن سرزمین مسکن‌های موقتی که به فارسی به آن (کومه) می‌گویند، ساختند. این کومه‌ها کم کم زیاد شد و به صورت قریه‌ای درآمد، رفته رفته به صورت شهر درآمد، و به نام همان کومه یا کوم برای آن باقی ماند. پس از ظهور اسلام و نفوذ زبان و ادبیات عرب، بسیاری از کلمات فارسی تغییر شکل داد و از جمله کوم مبدل به قم گردید، همان طور که کرمانشاهان (قرمیسین) خوانده شد. (۳) ۲ - رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج، مشاهده کرد که ابلیس در این سرزمین نشسته است فرمود: قُمْ یا مَلْعُونُ؛ برخیز و از اینجا برو) ای ملعون. از این رو اسم این سرزمین را (قم) نهادند. (۴) در این معنا شاعر نیکو سروده است: به ابلیس گفتا شه دین که قم از این بقعه ملعون تو می‌باش گم به قم گفتن سید المرسلین مسمی به قم گشت این سرزمین ۳ - نیز روایت شده رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج به بقعه‌ای در سرزمین جبل نظر کردم، که از نظر رنگ زیباتر از زعفران و از نظر بوی، خوشبوتر از مشک بود و شخص پیری در آن نشسته و بر سرش برنسی (کلاه دراز) بود. گفتم: ای جبرئیل این بقعه چیست؟ عرض کرد: این بقعه‌ای است که شیعیان علی علیه السلام در آن به گرد هم می‌آیند، گفتم: این شخص کیست؟ گفت: ابلیس است، گفتم او از آن‌ها چه می‌خواهد؟! گفت: می‌خواهد آنان را از ولایت و دوستی علی علیه السلام منع کند و به سوی فسق و فساد سوق دهد، گفتم: مرا بر زمین فرود آر، از برق تندتر بر زمین آمدم، نزد او آمده و گفتم: (قم یا ملعون - برخیز) ای دور افتاده از رحمت خدا، با طایفه مرجئه دشمنان آن‌ها در زن و مالشان شرکت کن، چه آن که اهل قم شیعیان من و شیعیان وصی من علی بن ابی طالب علیه السلام می‌باشند. از این رو به این سرزمین (قم) گفتند. (۵) قریب به این روایت، روایت دیگری در سفینه البحار ج ۲، ص ۴۵۵ و بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۰۷ آمده است. نور محمدی چو به معراج در رسید ابلیس را به بقعه قم با سپاه دید زد بانک احمدی که بشو دور ای پلید این سرزمین بهشت، نه جای تو و مرید اُخرج تو ای لعین و پلید و تباہکار ۴ - امام هادی علیه السلام فرمود: قم را از آن جهت قم گفتند، چون کشتی حضرت نوح صلی الله علیه و آله در آن طوفان معروف در این زمین ایستاد و این سرزمین قسمتی از بیت المقدس است. (۶) ۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: قم را قم گفتند چون اهل قم با قائم آل محمد صلی الله علیه و آله امام زمان علیه السلام قیام می‌کنند و به نصرت و پشتیبانی آن حضرت می‌روند. (۷) ۶ - بعضی گویند: به واسطه رودخانه و مسیله و دریاچه و گودال‌های فراوان پرآبی که در اطراف قم دیده می‌شوند و عرب به جایی که پرآب باشد مقمه می‌گویند، از این رو با حذف زواید این سرزمین را قم گفته‌اند. ۷ - یکی از وجوه نام گذاری قم را چنین گفته‌اند: قبلاً اسم قریه‌های قم، کمندان بود سپس بعضی از حروف کمندان را انداختند و آن گاه کم به معرب و مبدل به قم کردند. (۸) این سرزمین اسم‌های دیگری هم دارد که آن‌ها را صاحب کتاب انوار المشعشعین در جلد ۱، صفحه ۹۶ با استفاده از روایات نام برده و می‌گوید: زیادی اسم دلالت برافزایش شرافت کند... و آن نام‌ها از این قرار است: زهرا، ارض جبل، قطعه من بیت المقدس، مطهره مقدسه، مجمع النصار القائم، حرم اهل البیت، حجة علی العباد، استراحتگاه مؤمن، آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله، کوفه صغیره، مختار البلاد، مقصم الجبارین، بلد الائمه، بلد شیعه الائمه، امان للخائفین، باب الجنة، بلد الامین، مرفوف الملائکه، خاک فرج، محروس الملائکه، مزین بالعرب... (۹)

## قم قبل از اسلام

تاریخ، قیافه قم را قبل از ظهور اسلام درست نشان نمی‌دهد، ولی آنچه که مسلم است این که قم قبل از اسلام آبادی دارای سکنه بوده و در لابلای تاریخ به آن اشاره‌ای شده است، اما حدود قم به طور کلی، خصوصیات آن در زمان‌ها و قرون قبل از ظهور اسلام به خوبی روشن نیست. به نظر می‌رسد که قم قبل از اسلام به صورت قلعه‌های متعدد بوده و ساکنان برخی از آن‌ها زرتشتی و بعضی دیگر یهودی بوده‌اند و شهر شدن آن، چنان که خاطر نشان می‌شود به دست اشعری‌ها شده که اصلاً از نژاد عرب یمنی و شیعه بودند و لذا ایشان نزد اهل تاریخ از مفاخر قم به شمار آمده‌اند، و شهر شدن قم ملازم با تشیع و ولایت خاندان نبوت‌علیهم السلام بوده است. (۱۰) برخی مورخان قدیم، نام بعضی از نامداران پیش از ظهور اسلام را که در قم حکومت کرده‌اند، ذکر کرده‌اند؛ نویسنده کتاب انوار مشعشعین (۱۱) به نقل از کتاب سیر الملوک عجم می‌گوید: بهرام گور (۱۲) به جانب بلاد ارمنیه می‌رفت، گذرش به سوی اطراف ساوه افتاد، قم و روستاهای آن را بنا کرده و به نام (ممجان) گذاشت (۱۳) ولی با توجه به محل اصلی شهر قم که خرابه‌های آن اکنون در یک کیلومتری شرقی شهر مشاهده می‌شود و همچنین از نام‌های روستاهای اطراف شهر، وضع زندگی ساکنان این روستاها، برای انسان شکی باقی نمی‌ماند که شهر قم برخلاف گفته «یاقوت حموی» (۱۴) از شهرهای ساخته شده دوره اسلام نیست، بلکه مدت‌ها پیش از ظهور اسلام وجود داشته و از شهرهای آباد ایران بوده است. نام قم و توصیف زعفران آن در کتاب (خسرو و کواذان وریذک) از آثار زمان ساسانی (۱۵) ذکر گردیده است. به علاوه سندی در دست داریم که اسکندر مقدونی (۱۶) قم را نیز ویران کرد، به احتمال قوی آبادی قم از زمان هخامنشیان (۱۷) شروع گردیده است. (۱۸) قدمت این شهر و بنای آن را به یکی از پادشاهان پیشدادی؛ یعنی تهمورث (۱۹) نسبت داده‌اند، شکی نیست که در زمان ساسانیان، قم معروف بوده است و در شاهنامه فردوسی (۲۰) هم سه جا نام قم ذکر شده است. (۲۱)

## قم پس از اسلام

در اوایل قرن اول یعنی سنه ۲۳ ه. ق هنگام حمله مسلمانان به ایران، شهر قم توسط ابوموسی اشعری (۲۲) فتح گردید و بعضی فتح قم را به احنف بن قیس نسبت می‌دهند. کم رفت و آمد و نفوذ اعراب در قم، راه را برای آنها باز کرد، سرانجام در زمان خلافت عبدالملک بن مروان گروهی از عرب‌های منسوب بن (بنی الاشعر) به قم پناهنده شدند و به تدریج قم را تحت نفوذ خود قرار دادند.

## مهاجرت شیعیان کوفه به قم و تشیع قمی‌ها

با این که در صدر اول اسلام همواره شیعه در فشار سخت‌گیری‌های حکام و زمامداران جور بود، ولی مردم روشن‌بین، حقیقت را به زودی درک کردند و به دنبال آن رفتند. در زمان خلافت عمر، وقتی که مسلمانان به ایران حمله کردند و یزدگرد سوم را در نهاوند شکست دادند، رفته رفته سپاه اسلام بر سراسر ایران مسخر شد و یزدگرد به خراسان گریخت و به دست آسیابانی در مرو کشته شد. در سال ۲۲ هجری؛ یعنی یک سال بعد از واقعه نهاوند، سپاهیان عرب شهرهای ری، زنجان، آذربایجان و شهرهای قومس را که شامل سمنان و دامغان و شاهرود امروزی است تحت سلطه خود درآوردند و سال بعد (۲۳ هجری) همدان، قم، کاشان و اصفهان به دست ایشان افتاد. در این عصر اکثر مردم روشن بین ایران، دین مقدس اسلام را پذیرفتند. قابل توجه این که: در زمان امامت پیشوای پنجم شیعه امام باقرعلیه السلام در اواخر قرن اول و سال‌های آغاز قرن دوم هجری به خاطر اختلال وضعی که در حکومت امویان پیدا شد، شیعیان از اطراف کشورها پروانه‌وار در محور وجود پیشوای پنجم امام باقرعلیه السلام اجتماع کرده و به کسب معارف دینی پرداختند. (۲۳) هنوز قرن اول هجری تمام نشده بود که بر اثر آمدن چند نفر از کوفه به قم که شیعه بودند، قم را شیعه‌نشین

کردند و مردم به مذهب اهل بیت علیهم السلام گرویدند. کشور شیعه‌نشین ایران که اکثریت قریب به اتفاق مردم آن شیعه هستند خود یک حقیقتی را بازگو می‌کند و آن این‌که: با این‌که ایران توسط طرفداران خلیفه دوم فتح شد، دیری نپایید بر اثر آزادی و قضاوت آزاد، مردم به آیین مبارک جعفری معتقد شدند. همان‌گونه که ملاحظه کردید، تنها چند نفر محدود کافی بودند که مردم قم را به مذهب تشیع رهنمون سازند. باری آن طوری که از لابلای تاریخ استفاده می‌شود، قم در حدود دو قرن (یعنی از نیمه قرن دوم تا نیمه قرن چهارم) بسیار آباد، وسیع و پرجمعیت بود، ولی پس از آن حوادث متعدد دگرگونی‌هایی را در این سرزمین ایجاد کرد و این آبادی به ویرانه‌هایی تبدیل شد و در این مسیر، قم بارها آباد و ویران شده است. چنان‌که نویسنده کتاب تاریخ قدیم قم، ضمن این‌که اهمیت و دشواری نگارش تاریخ قم را خاطر نشان می‌سازد، می‌گوید: ... از جمع اخبار، شهری که محل او مندرس شده و اهل او منقرض گشته، و از آن نام و نشانی مانده. (۲۴)

### قم آماده استقبال از آل علی علیه السلام

این سرزمین با آن همه خاطراتی که داشت قرن اول و دوم هجری بر سرش چنین گذشت و چنان‌که یادآور شدیم، بذر مذهب شیعه در نیمه دوم قرن اول هجری در این سرزمین پاشیده شد، و دیری نپایید که به صورت یک شهر به تمام معنا شیعه درآمد، در این مدّت، قم آماده استقبال و پذیرایی از آل علی علیه السلام بود، کافی بود که هر یک از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله به این سرزمین آید و با کمال عزّت و احترام زندگی کند بر همین اساس، بسیاری از مردان نامی و سادات جلیل‌القدر و نواده‌های پیشوایان مذهب شیعه به این سرزمین آمدند. در رأس آن‌ها دختر بزرگ و با عظمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پیشوای هفتم شیعیان، حضرت معصومه علیها السلام بود که به قم آمد، از همان زمان، قم فصل نوینی را در تاریخ اسلام آغاز کرد، و ورود این بانوی بزرگوار که سال‌ها قبل، پیشوایان شیعه خبر اجلال نزول او را به قم به دوستان خود داده بودند، چون خورشیدی به قم درخشش داد. قم تا سال ۱۲۲۱ میلادی (قرن هفتم ه.ق) در نوعی آرامش نسبی به سر برده، و تا این تاریخ واقعه مهمی رخ نداده است. ولی در همین سال این شهر، مورد دستبرد سپاهیان غارتگر مغول شده، ویرانی‌های بسیار به آن وارد آمده است. در حدود کمتر از نیم قرن پس از آن تیمور لنگ (۲۵) به قم حمله کرد و پس از زحمت بسیار و مقاومت شدید طولانی مردم، شهر را تحت سلطه خود درآورد و بسیاری از مردم این شهر را به خاطر مقاومت‌های شجاعانه‌ای که ابراز داشته بودند از دم تیغ گذراند و قسمت اعظم شهر را ویران نمود.

### استقبال مردم قم از فرماندار شیعه

فرمانداری که از طرف خلفای عباسی برای قم تعیین می‌شدند، مردم قم آن‌ها را نمی‌پذیرفتند، مگر این‌که شیعه باشد. از این رو خلفا معمولاً افرادی را به عنوان فرماندار به قم می‌فرستادند که شیعه باشند، یکی از این موارد فرستادن شخصی به نام حسین از طرف خلیفه وقت (در عصر محمد بن عثمان دومین نایب خاص امام زمان علیه السلام) بود. او می‌گوید: از بغداد به سوی قم حرکت کرد، او می‌گوید در راه با خود فکر می‌کردم که من برای جنگ با مردم قم می‌روم ولی وقتی که به نزدیک قم رسیدم، گروهی از مردم قم به استقبال من آمدند و گفتند: ما با کسی می‌جنگیدیم که از نظر مذهب با ما مخالف بود، ولی چون تو با ما موافق هستی، با تو جنگ نداریم، و اینک وارد شهر بشو، و هرگونه که می‌خواهی، امور قم را تدبیر و اداره کن. حسین می‌گوید: وارد قم شدم، به ناهنجاری‌های قم سر و سامان دادم، و مردم از من راضی بودند، وضع مالی و حال من نیز خوب شد، ولی حاسدان در نزد خلیفه از من بدگویی کردند، خلیفه نیز مرا که در مذهب تشیع و طرفدار مردم قم بودم از فرمانداری عزل کرد، به بغداد بازگشتم، در آنجا محمد بن عثمان عمّری (نایب خاص امام زمان علیه السلام) به دیدار من آمد... و خمس اموال را به او دادم. و از شک و تردیدی

که قبلاً نسبت به ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام داشتم بیرون آمدم و به حقانیت آن اطمینان یافتم. (۲۶)

### قم مرکز شیعیان

عَلَّامه قاضی نورالله شوشتری (۲۷) در کتاب مجالس المؤمنین (۲۸) می‌گوید: بلده قم شهری عظیم و بلده کریم است، و از جمله بلادی است که همیشه دارالمؤمنین بوده است، و اکابر، افاضل و مجتهدان شیعه امامیه از آنجا برخاسته‌اند و انتساب به چنین جایی، از اقوی ادله صحت عقیده منسوب به آن است؛ یعنی هر کس که بگوید: من قمی هستم، حتماً شیعه است چنان که در این باره گفته‌اند: «مَنْ يَنْسِبُ إِلَى قُمْ فَكَأَنَّمَا يَنْسِبُ إِلَى التَّشْيِيعِ وَالرَّفْضِ فَيَقُولُونَ قُمِّي رَافِضِيٌّ» «کسی که خود را به قم نسبت دهد، گویا به مذهب شیعه و رفض (۲۹) نسبت داده و می‌گویند او قمی رافضی است.» مردم قم قبل از اسلام، بسان سایر مردم ایران مجوسی و زرتشتی و آتش‌پرست بودند، و آتشکده معروف قم نشانه این موضوع است، وقتی که فرزندان سعد بن مالک اشعری از کوفه به قم آمدند، رفته رفته، مذهب تشیع به وسیله آن‌ها در قم رواج پیدا کرد به طوری که تمام مردم قم شیعه شدند. در ایران نخستین شهری که به مذهب شیعه گرایید قم بود، هنگامی که اهل اصفهان هنوز اهل تسنن بودند و قم تابع اصفهان بوده در مذهب بین این دو شهر جدایی افکنده شد. در سال ۳۲۵ ه.ق بین مردم قم و اصفهان نزاع و جنگ سختی در گرفت، سببش این بود که گروهی از مردم قم به عنوان تجارت به اصفهان رفته بودند، و در آنجا از خلفا (ابوبکر، عمر و عثمان) بدگویی نموده بودند، اهل اصفهان که سنی بودند گروهی از اهل قم را در این کشمکش کشتند و اموالشان را غارت کردند. (۳۰) و براساس همین موضوع بود که اهل قم همواره مورد شک و اعتراض متعصبین اهل تسنن بوده و در این راه گرفتاری‌هایی برای آنان رخ داد.

### قم شهر قیام و خون

مردم قم از شهادت امام رضا علیه السلام آگاه شدند و چنین باور کردند که مأمون آن حضرت را به شهادت رسانده است، وقتی که مأمون به بغداد رفت مردم قم به عنوان اعتراض به او از دادن مالیات به حکومت سرباز زدند و مدت هفت سال (از سال ۲۰۴ تا ۴۱۱ ه.ق) این وضع ادامه یافت و مردم قم همچنان از حکومت مأمون، نافرمانی می‌کردند، مأمون شخصی به نام (علی بن هشام) را با نیرویی مجهز برای سرکوب شورشیان به سوی قم فرستاد. علی بن هشام با سپاه خود، وقتی که به قلعه قم نزدیک شد، مردم قم دروازه‌های قلعه را به روی آن‌ها بستند، علی بن هشام و سپاهش در پشت دیوار قلعه چادر زدند و خیمه به پا کردند و قلعه را به محاصره درآوردند و سرانجام از راه‌های قنات‌ها به داخل قلعه نفوذ کرده و دروازه‌ها را گشودند و وارد قلعه قم شدند. یحیی بن عمران اشعری شیخ و بزرگ قمی‌ها را با چند تن دیگر از سران قم کشتند، قسمت‌هایی از قلعه را خراب کردند و مالیات‌های عقب مانده را وصول نمودند و سپس علی بن هشام شخصی به نام (علی بن عیسی طلحی) را حاکم قم کرد، و خود به بغداد بازگشت. مردم قمی به بازسازی قم و جبران ویرانی‌ها پرداختند و در سال ۲۱۵ ه.ق بار دیگر بر ضد حکومت مأمون شورش نمودند به طوری که حاکم نصب شده از طرف او (علی بن عیسی طلحی) را از قم اخراج کردند. طلحی به بغداد رفت و ماجرا را به مأمون گزارش داد، مأمون (عبدالرحمن بن مفلح ترک) را همراه سپاهی، به قم فرستاد، مردم از ورود او به شهر جلوگیری کردند، ولی او شبانه وارد قلعه قم شد و سران شورشی را کشت و عده‌ای را زندانی کرد و در این گیر و دار اکثر اهالی قم متواری شدند. مردم آزاده و مبارز قم، پس از مأمون با سایر خلفای ستمگر عباسی نیز درگیر شدند و در این راه فداکاری‌ها نمودند و بسیاری از آن‌ها به شهادت رسیدند. (۳۱) این حوادث بیانگر آن است که قم در همان قرن دوم و سوم همواره شهر قیام و خون بوده و خیزش و قیام بر ضد ستمگران که همان معنی واژه استقلال‌طلبی مردم قم در برابر خلفای ستمگر و غاصب بوده است. پس از هجرت عرب‌های شیعه از کوفه به قم، شهر قم طی نیم قرن با سرعتی عجیب توسعه یافت، مردم قم چنان اهمیت و عظمت یافتند که گویی در کشور نیمه



مستقل کوچکی در قلب دارالاسلام زندگی می‌نمایند. چنان که از آغاز ظهور خلفای عباسی تا اواخر خلافت هارون الرشید از دادن باج و مالیات به حکومت وقت، خودداری می‌نمودند. هارون در سال ۸۴۰ ق. پس از به شهادت رساندن امام کاظم علیه السلام در صدد برآمد که طرفداران آن حضرت را در فشار شدید قرار داده، و قم را که به صورت کانون ضد خلفا درآمده بود، سرکوب و تضعیف نماید، عبدالله بن کوشید قمی را حاکم اصفهان نمود، و به او دستور داد که مالیات پنجاه و چند ساله قم را وصول کند، او برادرش (عاصم بن کوشید) را عامل قم نموده، عاصم اهالی قم را تحت فشار سخت قرار داد ولی مردم از او اطاعت نمی‌کردند، او بر فشار خود افزود. جمعی از مردم قمی پراکنده شدند، شکایت‌های آن‌ها بی‌نتیجه ماند، سرانجام شورش نموده و به عاصم حمله کردند و او را کشتند، هارون پس از اطلاع از قتل عاصم، عبدالله بن کوشید حاکم اصفهان را از مقام خود عزل کرد، عبدالله نزد هارون رفت، تا بار دیگر به مقام پیشین خود بازگردد، مشروط بر این که حوزه قم را از حکومت اصفهان جدا سازد. هارون این پیشنهاد را نمی‌پذیرفت، در این کشمکش (حمزه بن سبیع اشعری) که از شیوخ و بزرگان قم بود، به دارالخلافه آمد، هارون را وا داشت که قم را از اصفهان جدا سازد، آن‌گاه خود شخصاً پرداخت مالیات قم را تضمین نمود، مشروط بر این که هارون الرشید از مالیات‌های نپرداخته شده سابق، صرف نظر کند. استدلال‌ها و قاطعیت پی‌گیر حمزه باعث شد که قم از اصفهان جدا گردیده و استقلال یافت و حمزه بن سبیع خود حاکم و امام جمعه قم شد، و منبر امامت جمعه را در مسجد جامع قم نصب کرد. پس از استقلال قم، اعراب اشعری به آبادانی در بازسازی قم پرداختند و این سرزمین را از نظر ظاهر و باطن، رونقی جدید و وسیع بخشیدند. (۳۲)

### داستان دعبل و عشق قمی‌ها به خاندان رسالت

یکی دیگر از فرازهای تاریخی که نشان دهنده اوج ارادت مردم قم، به اهل بیت علیهم السلام و مذهب تشیع می‌باشد، ماجرای دعبل خزاعی (شاعر متعهد شیعی) است. خلاصه‌اش چنین است: دعبل، قصیده‌ای در مدح و سوگ امامان علیهم السلام سرود و به مرو خراسان رفت، و در روز عاشورا، آن را در محضر امام رضا علیه السلام که جمعی نیز حاضر بودند، خواند، که به قصیده (مدارس آیات) معروف می‌باشد، امام هشتم علیه السلام یک کیسه محتوی صد دینار به او عطا فرمود. دعبل به عنوان تیمن و تبرک، تقاضای لباس کرد، امام هشتم علیه السلام لباس خز به او هدیه کرد، و دعبل لباس و کیسه دینار را برداشت و به سوی وطن روانه شد، او در مسیر راه، به قم آمد، مقدم او را گرامی داشتند، و از او دعوت کردند تا قصیده خود را بخواند. او از مردم خواست که در مسجد جامع قم، اجتماع کنند، تا قصیده خود را در آنجا بخواند. مردم سیل آسا به سوی مسجد روانه شدند، دعبل آن قصیده را در اجتماع بزرگ مردم خواند، و مردم هدایای بسیاری به او دادند. مردم قم اطلاع یافتند که حضرت رضا علیه السلام لباسی به دعبل داده است، از او خواستند که آن لباس را به هزار دینار به مردم قم بفروشد، ولی او حاضر نشد، تا آن که مردم قم پیشنهاد کردند که قسمتی از آن لباس را به هزار دینار بفروشد، باز او حاضر به فروش نشد، وقتی که دعبل از قم به سوی وطن حرکت کرد، جوانان قمی سر راه او را گرفتند، و به اجبار آن لباس را از او ربودند، او به قم بازگشت و تقاضای استرداد لباس کرد و پس از گفتگوی زیاد، راضی شد که قسمتی از آن لباس را به قمی‌ها بدهد و قسمت دیگر را خود بردارد، مردم قم هزار دینار، بابت آن قسمت به او دادند. (۳۳)

این فراز تاریخی همانند آینه صافی است که عشق و پیوند بسیار محکم مردم قم را با اهل بیت علیهم السلام و خط فکری آن‌ها نشان می‌دهد و شاهد صادق بر پیشگامی مردم قم و مرکزیت قم برای تشیع و گسترش آن است.

### احادیث مربوط به قم و اهل آن

در کلمات گهربار ائمه اطهار علیهم السلام تمجیدهای فراوانی از شهر مقدس قم و مردم با ایمان این شهر، در کتب حدیثی آمده است، ما به جهت اختصار به تعدادی از این روایات اشارتی می‌کنیم: منبع اصلی ما در این فراز، کتاب ارزشمند تاریخ قم از حسن

بن محمد بن حسن قمی، معاصر شیخ صدوق رحمه الله است که علامه بزرگوار مجلسی رحمه الله آن‌ها را در کتاب گران سنگ خود بحار الانوار آورده است. و این روایات عبارتند از: ۱ - عفان بصری می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «أَتَدْرِي لِمَ سَمَّيْتُ قُمْ؟ آیا می دانی که قم را به چه سبب قم نامیده‌اند؟ گفتم: خدا و پیامبر و شما دانایانتر هستید. فرمود: «أَتَمَّا سَمَّيْتُ قُمْ، لِأَنَّ أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيَنْصُرُونَهُ؛ از این جهت قم نامیده شد که اهل آن در اطراف قائم آل محمد صلی الله علیه و آله گرد می آیند و در رکاب او قیام می کنند، او را یاری می کنند و در یاری او استقامت می ورزند». (۳۴) ۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: «اهل خراسان اعلامنا، واهل قم انصارنا واهل الكوفة اوتادنا، واهل هذا السواد منا ونحن منهم؛ اهل خراسان پیشتازان ما، اهل قم یاوران ما، اهل کوفه تکیه گاه‌های ما، و اهل این دیار از ما هستند و ما از آن‌ها ایم». (۳۵) ۳ - از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده که فرمود: «سلام الله على اهل قم ورحمة الله على اهل قم، سقى الله بلادهم الغيث، و ينزل الله عليهم البركات و يبذل الله سيئاتهم حسنات، هم اهل ركوع و خشوع و سجود و قيام و صيام. هم الفقهاء، العلماء الفهماء هم اهل الدين والولاية والعبادة وحسن العبادة وصلوات الله عليهم ورحمة الله و برکاته؛ سلام خدا بر اهل قم، رحمت خدا بر اهل قم، خداوند شهرهایشان را با آب باران سیراب کند و برکاتش را بر آن‌ها نازل فرماید. و بدی‌های آنان را به نیکی تبدیل نماید. آن‌ها اهل رکوع و سجود و خشوع و نماز و روزه‌اند. آن‌ها فقیه و دانشمند و اهل فهم هستند. آن‌ها اهل دین و ولایت و عبادت و اطاعت هستند، صلوات و برکات خداوند بر آن‌ها باد». (۳۶) ۴ - امام صادق علیه السلام فرمود: «ان الله اختار من جميع البلاد الكوفة و قم و تفلیس؛ خداوند از میان همه شهرها کوفه، قم و تفلیس را برگزید». (۳۷) ۵ - امام رضا علیه السلام به موسی بن خزرج فرمود: آیا محلی را به نام وَراردها می شناسی؟ موسی گفت: آری می شناسم و من در آنجا دو قطعه زمین دارم. امام علیه السلام فرمود: آن را مواظب باش و هرگز از دست مده، آن گاه سه بار فرمود: «نعم الموضع و راردهای؛ چه نیکو محلی است و راردهای». (۳۸) مرحوم محدث قمی بعد از نقل این حدیث می فرماید: و راردهای نام یکی از آبادی‌های قم است. (۳۹) ۶ - امام هادی علیه السلام فرمود: قم و اهل آن به سبب زیارت جدم علی بن موسی الرضا علیه السلام در طوس آمرزیده شده هستند. آگاه باش، هرکس او را زیارت کند و در راه زیارت آن حضرت یک قطره باران به او برسد، خداوند جسدش را به آتش جهنم حرام می سازد. (۴۰) ۷ - امام رضا علیه السلام فرمود: برای بهشت هشت دراست، یکی از آن‌ها از آن اهل قم است، خوشا به حال آن‌ها، خوشا به حال آن‌ها، باز هم خوشا به حال آن‌ها. (۴۱) ۸ - در محضر امام کاظم علیه السلام صحبت از قم و اهل قم، و گرایش آن‌ها به حضرت بقیه الله ارواحنا فداه شد، امام کاظم علیه السلام بر آن‌ها رحمت فرستاد و سپس فرمود: برای بهشت هشت در است، یکی از آن‌ها از آن اهل قم است، آن‌ها برگزیده‌های شیعیان ما در میان همه بلاد هستند، خداوند ولایت ما را با آب و گل آن‌ها آمیخته است. (۴۲) ۹ - از ائمه هدی علیهم السلام روایت شده که فرموده‌اند: لولا القمیون تضاع الدين؛ اگر قمی‌ها نبودند دین تباه می شد. (۴۳) (۴۴)

### سَرِّ قَدَاسْتِ قُمْ

در احادیث فراوانی به قداست قم اشاره شده است؛ از جمله امام صادق علیه السلام قم را حرم اهل بیت علیهم السلام معرفی و خاک آن را، پاک و پاکیزه تعبیر کرده است. همچنین ایشان در ضمن حدیث مشهوری که درباره قداست قم به گروهی از اهالی ری بیان کردند، فرمودند: بانویی از فرزندان من به نام فاطمه دختر موسی، در آنجا رحلت می کند که با شفاعت او همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند. او می گوید: من این حدیث را هنگامی از امام صادق علیه السلام شنیدم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هنوز دیده به جهان نگشوده بود. این حدیث والا، از رمز شرافت و قداست قم پرده بر می دارد و روشن می سازد که این همه فضیلت و شرافت این شهر که در روایات آمده، از ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله کریمه اهل بیت، مهین بانوی اسلام، حضرت معصومه



علیها السلام سرچشمه می‌گیرد که در این سرزمین دیده از جهان فرو می‌بندد و گرد و خاک این سرزمین را، توتیای دیدگان حور و ملائک می‌کند.

### برگزیدن شهر قم

پس از آن که حضرت معصومه به شهر ساوه رسید، بیمار شد و چون توان رفتن به خراسان را در خود ندید، تصمیم گرفت به قم برود. یکی از نویسندگان در این باره که چرا حضرت معصومه علیها السلام شهر قم را برگزید، می‌نویسد: بی‌تردید می‌توان گفت که آن بانوی بزرگ، روی آینده‌نگر داشت و با توجه به آینده قم و محوریتی که بعدها برای این سرزمین پیش می‌آید محوریتی که آرامگاه ایشان مرکز آن خواهد بود، بدین دیار روی آورد. این جریان به خوبی روشن می‌کند که آن بانوی الهی به آینده اسلام و موقعیت این سرزمین توجه داشته و خود را با شتاب بدین سرزمین رسانده و محوریت و مرکزیت آن را با مدفن خود پایه‌ریزی کرده است. (۴۵)

### مزایا و افتخارات مردم قم

۱ - آنان جزو اهل بیت‌اند. ۲ - آنان مردمی نجیب و بزرگوارند، نجبای مردم به شمار می‌روند. ۳ - کسی که تصمیم بد درباره آنان بگیرد، خداوند او را درهم می‌شکند.

### فصل دوم: زندگی حضرت معصومه علیها السلام

#### پدر بزرگوار حضرت معصومه علیها السلام

پدر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام امام هفتم شیعیان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است که او را ابوالحسن اول نیز می‌گویند: و از القاب مشهور آن حضرت، کاظم، باب الحوائج و صالح می‌باشد. آن بزرگوار روز یکشنبه هفتم ماه صفر سال ۱۲۸ هجری در روستای ابواء که بین مکه و مدینه واقع شده، دیده به جهان گشود. آن حضرت بیش از سایر امامان علیهم السلام فرزند داشته است که بعضی سی، و برخی شصت فرزند برای او نام برده‌اند. آن بزرگوار در سال ۱۴۸ هجری قمری در زمان خلافت منصور به امامت رسید و در زمان خلافت مهدی و هادی عباسی نیز امام بود، وقتی که هارون الرشید به خلافت رسید و پس از پانزده سال در زندان بغداد به شهادت رسید. مشهور بین تاریخ‌نویسان آن است که آن بزرگوار در روز ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری در ۵۱ سالگی از دنیا رفت. (۴۶)

#### حضرت نجمه خاتون مادر حضرت معصومه علیها السلام

مادر گرامی حضرت معصومه علیها السلام مادر بزرگوار امام رضا علیه السلام است. نجمه خاتون از بانوان با فضیلت، از اسوه‌های تقوی و شرافت، از مخدرات کم‌نظیر تاریخ بشریت می‌باشد برای او ده نام در کتب تاریخ و حدیث به ترتیب زیر آمده است: ۱ - نجمه ۲ - امّ البنین برای نجمه خاتون فقط یک کنیه نقل شده و آن امّ البنین است؛ امّ البنین به معنای مادر پسران می‌باشد. ۳ - تُکْتَم ۴ - طاهره ۵ - خیزران ۶ - مرسیه ۷ - اروی ۸ - سکن ۹ - سمانه ۱۰ - شقراء ۱۱ - صقر. (۴۷) تکتّم به صورت مضارع مجهول، از نام‌های شایع در میان بانوان عرب است و در اشعار عربی به وفور آمده است. (۴۸) و یکی از نام‌های زمزم است که بعد از انقراض جُرهم پوشیده شده بود در عالم رؤیا به حضرت عبدالمطلب گفته شد: احضرتکتّم، آنگاه جناب عبدالمطلب به الهام پروردگار آنجا

را حفر کرد و چاه زمزم را پدیدار ساخت. (۴۹) هنگامی که نجمه خاتون از طرف خاندان عصمت و طهارت خریداری شد او مشهور به تکتم بود و آن اسم بسیار مناسبی بود، زیرا جلالت قدر و عظمت شأن او نه فقط از اهل مغرب مکتوم بود بلکه در میان اهل زمین به طور عموم مجهول بود. از پسوند مرسیه انتساب آن بانوی مجلله به سرزمین مرسی معلوم می‌شود، جز این که واژه مرسی به چند سرزمین اطلاق می‌شود که از آن جمله است: ۱ - شهر معروف مرسیه در اسپانیا، که در قرن ۱۱ میلادی به صورت کشور مستقلی در آمد و ابوغالب مرسی به آنجا منسوب است. (۵۰) ۲ - بندر مرسی در ساحل شرقی الجزایر، در نزدیکی مرز تونس. (۵۱) ۳ - بندر معروف مرسی (مارسی) در جنوب فرانسه در کرانه دریای مدیترانه. (۵۲) خیزران گیاه معروفی است که در هند و بلاد روم می‌روید، ریشه‌های بسیار بلند و مستحکمی دارد؛ از ریشه‌های آن حصیر می‌بافند و از ساقه‌های آن به جهت ظرافت و استحکامش عصا می‌سازند. ساقه‌های خیزران بسیار لطیف و انعطاف‌پذیر است با خم کردن نمی‌شکند و لذا در ادبیات نیز به وفور استعمال شده است. خیزران در لغت به سکان کشتی و به ساقه انعطاف‌پذیر گفته می‌شود. (۵۳) مرحوم کلینی با سلسله اسناد خود از هشام بن احمر روایت می‌کند که گفت: امام کاظم علیه السلام به من فرمود: آیا می‌دانی که یک نفر اهل مغرب به مدینه آمده است؟ گفتم: نه فرمود: چرا یکی آمده است برخیز برویم. امام علیه السلام سوار شد، من نیز سوار شدم، به محل اقامت آن شخص رفتیم، با مردی از اهل مغرب مواجه شدیم که تعدادی کنیز با خود آورده بود. به او گفتم: کنیزهای خود را بر ما عرضه کن او هفت کنیز بر ما عرضه کرد، هر کدام را که عرضه کرد، امام علیه السلام فرمود: این کنیز مورد نیاز ما نیست. آن‌گاه امام علیه السلام فرمود: عرضه کن. او گفت: من به جز یک کنیز بیمار، کنیز دیگری ندارم. امام علیه السلام فرمود: تو را چه می‌شود که آن را بر ما عرضه کنی؟ او امتناع کرد و ما برگشتیم. روز بعد امام علیه السلام به من فرمود: برو نزد آن شخص و بگو: آخرین نظر تو در مورد آن کنیز چیست؟ او خواهد گفت: چنین و چنان، پس بگو: من خریدم. هشام بن احمر می‌گوید: به نزد او رفتم و او اظهار داشت من او را هرگز از فلان قیمت کمتر نخواهم داد، گفتم: خریدم. برده فروش گفت: آن کنیز از آن توست، ولی به من بگو آن مردی که دیروز همراه تو بود کیست؟ گفتم: او مردی از بنی هاشم است. گفت: از کدام تیره بنی هاشم؟ گفتم: بیشتر از این نمی‌دانم. برده فروش گفت: گوش فرادار تا من در مورد این کنیز برایت سخن بگویم، من او را از دورترین نقطه مغرب خریدم، یکی از بانوان اهل کتاب به من گفت: این کنیز که همراه توست از آن نزد امثال تو باشد. او دختری شایسته است که در نزد برترین انسان روی زمین باشد؛ زیرا این دختر چیزی در نزد مولایش درنگ نمی‌کند جز این که فرزندی از او به دنیا می‌آورد که در میان همه اهل شرق و غرب برای او همسنگی نباشد. هشام به احمر می‌گوید: من او را به خدمت امام کاظم علیه السلام آوردم، طولی نکشید که امام رضا علیه السلام از او متولد شد. (۵۴) ۲ - هنگامی که نجمه خاتون به دودمان امامت راه یافت، امام کاظم علیه السلام گروهی از اصحاب را گرد آورد و به آن‌ها فرمود: این کنیز را جز به فرمان خدا و به استناد وحی خدا خریداری نکردم. هنگامی که از کیفیت آن پرسیدند، فرمود: جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرم (امیرمؤمنان) را در عالم رؤیا دیدم، یک قطعه ابریشم به همراه داشتند، چون آن را باز کردند یک پیراهن در میان آن بود که تمثال این دختر بر آن نقش شده بود. به من فرمود: ای موسی! این دختر بهترین اهل زمین را برای تو به دنیا خواهد آورد. آن‌گاه به من فرمود: هنگامی که او متولد شد او را علی نام بگذار. سپس به من فرمودند: خداوند به وسیله او عدالت، رأفت و مرحمت را در دنیا ظاهر خواهد ساخت، خوشا به حال کسی که او را تصدیق کند. وای به حال کسی که او را دشمن بدارد و او را تکذیب نماید. (۵۵) ۳ - شیخ صدوق با سلسله اسناد خود روایت کرده که هنگامی که حمیده مادر موسی بن جعفر علیه السلام نجمه مادر امام رضا علیه السلام را خریداری کرد، شبی در عالم رؤیا به محضر مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای حمیده! نجمه را به فرزندت موسی هبه کن که به زودی برترین انسان روی زمین از او متولد خواهد شد. (۵۶) ۴ - شیخ صدوق با سلسله اسنادش از نجمه خاتون روایت کرده که در ایام حاملگی هرگز احساس سنگینی نمی‌کردم و در خواب صدای تسییح و تهلیل از بطن خود می‌شنیدم ولی چون بیدار می‌شدم دیگر آن را

نمی‌شنیدم. هنگامی که حمل خود را بنهادم، دست‌ها را بر زمین نهاد و سر به سوی آسمان بلند کرد و لب‌های خود را همانند کسی که سخن بگوید، حرکت می‌داد. در این حال پدرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام وارد شد و به من فرمود: «هنیئاً لک یا نجمه کرامه من ربک؛ ای نجمه این کرامت پروردگار بر تو مبارک باد. ۵ - حضرت رضاعلیه السلام در دوران شیرخوارگی شیر زیاد می‌خورد و لذا نجمه خاتون گفت: دایه‌ای بگیرد که مرا یاری کند. پرسیدند: آیا شیر شما کم شده؟ گفت: نه هرگز شیرم کم نشده، ولی من یک سلسله اوراد و اذکار دارم که همیشه به آن‌ها ملتزم هستم، از وقتی که این مولود مسعود به دنیا آمده، فرصتم برای آن اوراد و اذکار کم شده است. (۵۷) ۶ - نجمه خاتون به قدری مؤدب بود که در حضور حمیده خاتون هرگز بر زمین ننشست. (۵۸) ۷ - شیخ صدوق با سلسله اسنادش روایت کرده که نجمه خاتون در عقل و درایت، در اطاعت و عبادت و در رعایت ادب به ویژه احترام به حمیده خاتون از بهترین بانوان جهان بود. (۵۹) مولده؛ به کسی گفته می‌شود که در کشور عربی متولد شود و در میان عرب‌ها بزرگ شود و با آداب عربی خو بگیرد. (۶۰) از تاریخ تولد نجمه خاتون اطلاعی در دست نیست و از مقدار سن شریفش به هنگام شرفیابی به دودمان امامت چیزی نمی‌دانیم، تنها چیزی که در منابع حدیثی آمده این است که وی به هنگام تشریف به خانه امام کاظم علیه السلام دوشیزه بود. (۶۱)

## روز ولادت و وفات

به طور یقین روز ولادت حضرت معصومه علیها السلام اول ذی‌قعدة سال ۱۷۳ ه.ق است چون بعضی از محققین و کاوشگران بدون هیچ ابهام و تردیدی روز ولادت را همین روز بیان کرده‌اند و اگر زمانی تاریخی دیگر اعلام شده مورد قبول نیست. هارون الرشید آن بزرگوار را در سال ۱۷۹ هجری قمری در مدینه دستگیر کرده و به طرف عراق آورد و از آن وقت تا آخر عمر در زندان به سر می‌برد. شهر مدینه چشم به راه تولد کودکی از خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله بود. خانه امام کاظم علیه السلام حال و هوای دیگری داشت، نجمه همسر آن بزرگوار به امید تولد فرزند، روز را به شب و شب را به روز می‌رساند. شور و شادی در خانه امام علیه السلام موج می‌زد. سرانجام انتظارها به سر آمد و در اول ذی‌قعدة سال ۱۷۳ هجری قمری خداوند دختری به امام هفتم بخشید و نوزادی نورانی در خانه با صفای امام علیه السلام چشم به جهان گشود. پس از امام علیه السلام، شاید کسی به اندازه نجمه همسر حضرت خوشحال نبوده؛ زیرا پس از گذشت ۲۵ سال این دوّمین فرزندی بود که دست لطف پروردگار به نجمه عنایت می‌فرمود. (۶۲) امام کاظم علیه السلام به خاطر عشق و علاقه خاصی که به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام داشت نام دختر تازه به دنیا آمده خود را فاطمه نهاد. پاک‌سرشتی و پرهیزکاری او به اندازه‌ای بود که پس از مدتی معصومه خوانده شد، چون مانند پدر گرمی‌اش از گناه و بدی دوری می‌جست. قریب به چهل سال است در کنار بارگاه ملکوتی و نورانی خاتون دو سرا، شفیع روز جزا، تداعی جلوه‌گری جلال و عظمت حضرت زهرا علیها السلام، وارث مصائب قهرمان کربلا، خواهر والا-مقام سلطان سریر ارتضاء، پناهگاه مطمئن اله و الاء، کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام هستم و از عنایات بی‌بی بزرگوار بهره‌مندم. شکر این نعمت بزرگ مرا سوق می‌دهد که قلم را به دست گرفته صفحاتی را به عنوان عرض ادب به محضر این ولی نعمت، معصومه دو سرا اختصاص داده و قبلاً عذرخواهی و پوزش بطلبم.

## بررسی و شرح کوتاه

در بعضی از مدارک از سال ۱۸۳ به عنوان سال ولادت حضرت فاطمه علیها السلام یاد شده که صحیح آن، چنان که در کتاب مستدرک سفینه آمده، ۱۷۳ است؛ زیرا با توجه به این که امام کاظم علیه السلام در ۲۵ رجب سال ۱۸۳ ه.ق در زندان هارون در بغداد به شهادت رسید، و کمترین مدت زندانش، چهار سال بود، در این مدت از خانواده‌اش که در مدینه ساکن بودند، دور بود بنابراین

ممکن نیست ولادت حضرت معصومه عليها السلام در سال ۱۸۳ رخ داده باشد و ظاهراً در این شماره اشتباه شده و به جای ۱۷۳، ۱۸۳ نوشته شده است. از این رو محقق کاوشگر مرحوم عمادزاده اصفهانی بدون ابهام می‌نویسد: حضرت معصومه عليها السلام در مدینه در ماه ذی قعدة سال ۱۷۳ متولد شده و در ربیع الثانی سال ۲۰۱ در قم دیده از جهان فرو بست. (۶۳)

### شادی و سرور ولادت

آغاز ماه ذی قعدة برای حضرت رضاعلیه السلام و دودمان نبوت، پیام‌آور شادی مخصوص و پایان یک انتظار عمیق و استثنایی است؛ چون حضرت نجمه‌علیها السلام فرزندی جز حضرت رضاعلیه السلام نداشت و مدت‌ها پس از حضرت رضاعلیه السلام صاحب فرزندی نشد؛ حضرت رضاعلیه السلام در سال ۱۴۸ ه.ق متولد گردید، ولی حضرت معصومه عليها السلام در سال ۱۷۳، یعنی با فاصله (۲۵ سال). با توجه به این که امام صادق علیه السلام به ولادت چنین بانویی بشارت داده بود، بنابراین پس از آن که حضرت معصومه عليها السلام دیده به جهان گشود، آن روز برای حضرت رضاعلیه السلام و حضرت نجمه‌علیها السلام روز شادی و سرور وصف ناپذیر و روزی مهم از ایام الله بود؛ چرا که دختری از آسمان ولایت و امامت، طلوع کرده بود، که قلب‌ها را جلا و صفا می‌داد و چشم‌ها را روشن و کانون مقدس اهل بیت علیهم السلام را گرم می‌نمود. (۶۴)

### سن حضرت

از آنچه که مورد بحث قرار گرفت نتیجه می‌گیریم که سن حضرت معصومه عليها السلام هنگام وفات در حدود ۲۸ سال بوده است. پس این که در زبان برخی از مردم، آن حضرت به عنوان ۱۸ یا ۲۲ ساله معروف شده، مدرک و سندی ندارد.

### چرا حضرت معصومه عليها السلام ازدواج نکرده است

تقریباً قطعی است که حضرت معصومه عليها السلام ازدواج نکرد، در این صورت این سؤال پیش می‌آید که سنت ازدواج از مستحبات مؤکد اسلامی است، تا آنجا که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در اسلام و در پیشگاه خدا بنایی برپا نشده که محبوب‌تر و عزیزتر از بنای ازدواج باشد (۶۵) همچنان که فرمود: ازدواج سنت و برنامه من است، پس کسی که از سنت من دوری کند از من نیست. (۶۶) و نیز وارد شده: در عصر امام باقر علیه السلام بانویی به خاطر ریاضت و کسب فضیلت، ازدواج نمی‌کرد، امام باقر علیه السلام به او فرمود: اگر در ترک ازدواج، فضیلتی به دست می‌آید، حضرت فاطمه عليها السلام سزاوارتر از تو بود، که به خاطر کسب فضایل اخلاقی، ازدواج نکند؛ زیرا هیچ بانویی در کسب کمالات، از فاطمه عليها السلام پیشی نگرفته است. (۶۷) پاسخ در پاسخ به این سؤال دو مطلب گفته شده که هر کدام، یا یکی از آنها دلیل شایسته‌ای است که موجب ترک ازدواج حضرت معصومه عليها السلام شده است: ۱- دختران امام کاظم علیه السلام به ویژه حضرت معصومه عليها السلام در سطحی از کمالات بودند که برای خود هم کفو و همسر مناسبی نیافتند، تا با او ازدواج کنند، امام کاظم علیه السلام به آن‌ها سفارش کرده بود که با رأی و مشورت برادرشان حضرت رضاعلیه السلام ازدواج کنند. (۶۸) این سفارش و قراین دیگر بیانگر آن است که باید برای آن‌ها همسر مناسبی باشد. با توجه به این که طبق نقل سبط جوزی، (۶۹) امام کاظم علیه السلام دارای چهار دختر به نام‌های فاطمه کبری، فاطمه وسطی، فاطمه صغری و فاطمه اخری بود. (۷۰) در این که حضرت معصومه عليها السلام کدام یک از این‌ها بوده، بعضی تردید نموده‌اند ولی از قراین و عظمت مقام حضرت معصومه عليها السلام نسبت به دیگران استفاده می‌شود که او همان فاطمه کبری بوده است. (۷۱) در مورد حضرت زهرا علیها السلام امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خداوند متعال، علی علیه السلام را برای فاطمه‌علیها السلام نمی‌آفرید، در سراسر زمین، از حضرت آدم گرفته تا هر انسانی بعد از او، همسر همتا و مناسبی برای فاطمه‌علیها السلام پیدا

نمی‌شد. (۷۲) ۲ - ترس و وحشت ناشی از حکومت پر از خفقان و اختناق هارون، به گونه‌ای بود که کسی جرأت نمی‌کرد با دختران امام کاظم علیه السلام ازدواج نماید و داماد آن حضرت شود؛ زیرا دامادی آن حضرت، از نظر دستگاه طاغوتی هارون، موجب خطر شدید می‌شد. به این ترتیب، حضرت معصومه علیها السلام و بعضی از خواهرانش، از ازدواج صرف نظر کردند. در ضمن، نباید این مطلب را از نظر دور داشت که امام کاظم علیه السلام در زندان به سر می‌برد و اطلاع امام رضا علیه السلام از آینده (در مورد شهادت پدر، و هجرت اجباری او به خراسان) شاید دلیل دیگری برای ترک ازدواج حضرت معصومه علیها السلام باشد. و این نیز از مصایب و رنج‌های روزگار نسبت به خاندان نبوت است، که ستمگران کینه‌توز، با ایجاد شرایط نامساعد، آن‌ها را از مواهب زندگی، محروم ساختند. (۷۳)

### احترام به مقدسات مذهبی

از حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی نقل شده: روزی شاه عربستان سعودی به ایران آمد و هدایایی برای مرجع کل، حضرت آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله فرستاد، آقا در میان آن هدایا، چند قرآن و مقداری از پرده کعبه را پذیرفت و بقیه را رد کرد، در ضمن شاه عربستان تقاضای ملاقات با آقای بروجردی کرده بود (و این تقاضا توسط سفیر عربستان به آقا ابلاغ شد) ولی آقای بروجردی این تقاضا را رد کرد وقتی که از علت این امر سؤال شد، آقا فرمود: این شخص (شاه عربستان) اگر به قم بیاید [به خاطر این که وهابی است به زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام نمی‌رود] او اگر او به قم بیاید و به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نرود به مقام ارجمند حضرت معصومه علیها السلام توهین خواهد شد و من به هیچ وجه چنین امری را که توهین غیرمستقیم به حضرت معصومه علیها السلام است نمی‌پذیرم و تحمل نمی‌کنم. امام خمینی قدس سره آن بزرگ مرد الهی، کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام می‌آمد و با کمال تواضع و خضوع ضریح حضرت را می‌بوسید و به عقیده بعضی شاید علت آن که او نخواست مرقد مطهرش در کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام باشد از این رو بود که مبادا به حریم حضرت معصومه علیها السلام بی‌احترامی شود؛ زیرا با رفت و آمد میلیون‌ها نفر از مردم و آمدن سران کشورها کنار قبر او به طور طبیعی موجب کم‌رنگ شدن احترام به مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام می‌گردید و چنین کاری هرگز با خلق و خوی امام خمینی قدس سره نسبت به خاندان عصمت و طهارت سازگار نبود. (۷۴)

### شبهات حضرت معصومه علیها السلام به حضرت زینب علیها السلام

در میان بانوان بیت رسالت و امامت، دو بانوی آسمانی‌اند که از جهات گوناگون شبیه به یکدیگرند و وجه شبهات و قدر مشترک بین آن دو، فراوان است. آن دو بزرگوار، یکی حضرت زینب کبری، عقیده آل هاشم علیهم السلام است و دیگری حضرت فاطمه معصومه علیها السلام. (۱) هر دو سرافرازند که دختر امام معصوم علیه السلام هستند، زینب کبری دختر بزرگوار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و حضرت معصومه علیها السلام دختر والاگهر حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام. (۲) هر دو بزرگوار خواهر امام معصوم‌اند، یکی خواهر امام حسن و امام حسین علیهما السلام و دیگری خواهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است. (۳) هر دو بانوی خاندان وحی، افتخاری دارند که عمه امام معصوم می‌باشند، یکی عمه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و دیگری عمه حضرت جواد الائمه علیه السلام. (۴) هر دو مورد تقدیس و تکریم امام معصوم قرار گرفته و حجت بالغه الهی، زبان به مدح و ثنا و ستایش آن دو گوهر گران‌بها گشوده است. (۵) هر یک از این دو بانوی بزرگ اسلام، مورد تعظیم و احترام سه امام مفترض الطاعة قرار گرفته‌اند: حضرت زینب علیها السلام از ناحیه پدر بزرگوارش، امیرمؤمنان علیه السلام و از سوی برادرش حضرت سیدالشهدا علیه السلام و از ناحیه برادر زاده‌شان حضرت امام زین العابدین علیه السلام مورد ستایش قرار گرفتند. حضرت معصومه

علیها السلام از ناحیه جد بزرگوارش، حضرت صادق علیه السلام و از جانب برادر بزرگوارش، حضرت رضاعلیه السلام و از سوی فرزند برادرشان، حضرت جوادالائمه علیه السلام، مورد مدح و ثنا واقع شده‌اند. ۶) هر کدام از این دو بانوی با جلالت، شدت علاقه نسبت به برادر عزیز و والامقام خود داشتند، حضرت زینب علیها السلام، نسبت به امام حسین علیه السلام و حضرت معصومه، نسبت به امام علی بن موسی الرضاعلیه السلام. ۷) هر دو معظمه به خاطر علاقه به برادرشان، خانه و زندگی خویشان را رها کرده، وطن را ترک گفتند و رنج سفر را بر خود هموار نمودند، حضرت زینب علیها السلام از مدینه به عراق و بالاخره به شام رفت و حضرت معصومه علیها السلام از مدینه به ایران و بالاخره در سرزمین قم رحل اقامت افکند. ۸) هر دو بانوی بزرگوار، زادگاهشان مدینه، ولی مدفنشان در نقطه‌ای دور از زادگاهشان هست، حضرت زینب علیها السلام در شام یا مصر، بنا بر نظر مشهور و حضرت معصومه در ایران و شهر مقدس قم. ۹) مدفن هر یک از این دو بانوی بهشتی، زیارت گاه عاشقان و علاقه‌مندان خاندان پیغمبر است و مرقد مطهر و منور هر یک از آنان، دلدادگان بی‌شمار دارد و مردم مسلمان، حتی از شهرهای دور برای زیارت آن‌ها با تمام اشتیاق، سفر نموده و تشرف به اعتاب مقدسه آنان فخر و مباهات می‌کنند. ۱۰) هر کدام از این دو مکرمه، دو محل زیارت دارند، حضرت زینب علیها السلام در مصر و در شام و حضرت معصومه علیها السلام در بیت النور محل اقامت و عبادتشان و دیگر مدفن مقدس و حرم مطهر آن بانوی با جلالت. (۷۵)

### منزلت شهر قم

در آغاز چند روایت پیرامون خزینه الهیه مدفون در قم را متذکر می‌شویم. ۱ - عالم بزرگ رجالی مرحوم کشی نقل کرده: حماد ناب گفته است: ما با گروهی در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم که ناگهان عمران بن عبدالله قمی وارد شد، حضرت از او احوال پرسید و به او محبت نمودند و اظهار سرور و شادمانی فرمودند. وقتی که برخاست، به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: این که بود که این گونه به او محبت فرمودید؟ امام در پاسخ گفت: من اهل بیت النجباء؛ یعنی اهل قم، ما ارادهم جبار من الجابرة إلاً قصمه الله؛ (۷۶) او از اهل بیت و خاندان نجبا می‌باشد؛ یعنی اهل قم، که هیچ ستمگری از ستمگران، آهنگ هلاک آنان نکرد مگر این که خداوند او را در هم شکست و خرد گردانید. ۲ - ابومقاتل دیلمی می‌گوید: از حضرت علی بن محمد امام هادی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: همانا قم به این اسم، نامیده شد؛ زیرا هنگامی که کشتی نوح علیه السلام در جریان توفان، بدانجا رسید. ایستاد و حرکت نکرد و آن قطعه‌ای از بیت المقدس است. (۷۷) ۳ - از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: هنگامی که فتنه‌ها و آشوب‌ها شهرها را فرا گرفت، بر شما باد که به قم و حوالی و نواحی آن رو بیاورید؛ زیرا که بلا از قم و اطراف و جوانب آن دفع شده است. (۷۸) ۴ - از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که فرمود: قم آشیانه آل محمد علیهم السلام و پناهگاه شیعیان آن‌هاست ولیکن به زودی جماعتی از جوانانشان، بر اثر نافرمانی پدران و استهزای به بزرگان و پیش‌کشوتانشان هلاک خواهند شد و در عین حال، خداوند شر دشمنان و هر بدی را از آنان دفع خواهد فرمود. (۷۹) ۵ - از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: هنگامی که مصیبت و رنجی به شما رسید، بر شما باد به قم؛ زیرا آنجا مأوای فاطمین و استراحت گاه مؤمنین است و هیچ کس تصمیم سویی درباره قم و اهل آن نگرفت، مگر این که خداوند، او را خوار کرده، از رحمت خود دور ساخت. (۸۰) ۶ - از حضرت ابوالحسن الرضاعلیه السلام روایت است که فرمود: برای بهشت، هشت در است و برای اهل قم یکی از آن درهاست. پس خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان. (۸۱)

### امام رضاعلیه السلام و لقب معصومه

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بانویی بهشتی، پیراسته از زشتی‌ها، غرق در عبادت و نیایش و شب‌نم معطر آفرینش است، شاید



یکی از دلایل معصومه نامیدن این بانو آن باشد که عصمت مادرش حضرت زهرا علیها السلام در او تجلی یافته است. براساس پاره‌ای از روایات، این لقب از سوی امام رضاعلیه السلام به این بانوی والا مقام اسلام داده شده است، چنان‌که فقیه بلند اندیش و سپید سیرت شیعه، علامه مجلسی رحمه الله در این باره می‌گوید: امام رضاعلیه السلام در جایی فرمود: هر کس معصومه را در قم زیارت کند، مانند کسی است که مرا زیارت کرده است. (۸۲)

### القاب حضرت معصومه علیها السلام

به طور کلی، سه زیارت نامه برای حضرت معصومه علیها السلام ذکر شده که یکی از آن‌ها مشهور و دو تای دیگر غیر مشهور است. اسامی و لقب‌هایی که برای حضرت معصومه علیها السلام در دو زیارت نامه غیر مشهور ذکر شده، به قرار ذیل است: (۸۳) طاهره (پاکیزه) حمیده (ستوده) بزه (نیکوکار) رشیده (حد یافته) تقیه (پرهیزکار) رضیه (خشنود خدا) مرضیه (مورد رضایت خدا) سیده صدیقه (بانوی بسیار راستگو)، رضیه مرضیه (بانوی خشنود خدا و مورد رضای او) سیده نساء العالمین سرور زنان عالم، همچنین محدثه و عابده از صفات و القابی است که برای حضرت معصومه علیها السلام عنوان شده است.

### عالمه آل عبا

مرحوم مستنبط از کتاب کشف اللثالی نقل کرده و این کتاب تا به حال چاپ نشده و نسخه خطی آن در ایران نیست، گفته می‌شود که فقط یک نسخه از آن در کتاب‌خانه شوشتری‌ها در نجف اشرف موجود است. (۸۴) مؤلف ارزشمند این کتاب صالح بن عرنس حلّی دانشمند پیراج شیعه در قرن نهم، صاحب شعر معروفی است که علامه امینی درباره‌اش می‌فرماید: در میان اصحاب، مشهور است که در هر مجلسی این شعر خوانده شود وجود مقدّس حضرت بقیة الله ارواحنا فداه حضور پیدا می‌کند. (۸۵) متن کامل این اشعار را طریحی در منتخب، سید جواد شبر در ادب الطف و علامه امینی در الغدیر آورده‌اند. (۸۶) آنچه از زبان مرحوم مستنبط از کتاب ابن عرنس نقل شده این است: روزی جمعی از شیعیان به قصد دیدار حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به مدینه منوره مشرف و به دودمان امامت شرفیاب شدند، معلوم شد که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مسافرت است. این عده پرسش‌هایی داشتند، نوشتند و به حضرت معصومه علیها السلام تحویل دادند و رفتند. روز بعد که می‌خواستند از مدینه به سوی وطن خود برگردند، دیدند که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هنوز از مسافرت برنگشته است. نظر به این که ناگزیر از مراجعت بودند، پرسش‌های خود را مطالبه کردند که به سفر بعدی موکول شود. حضرت معصومه علیها السلام پاسخ پرسش‌ها را نوشت و به آن‌ها تسلیم کرد. آن‌ها شادمان شده، مدینه را به قصد وطن ترک کردند. در اثنای راه با حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مصادف شدند که به سوی مدینه تشریف فرما بودند، داستان را به آن حضرت عرض کردند، حضرت فرمود: آن نوشته را به من بدهید. چون پرسش و پاسخ‌ها را مطالعه نمود، سه بار فرمود: فداها ابوها پدرش به قربان چنین دختری باد. با توجه به این که حضرت معصومه علیها السلام به هنگام دستگیری پدر بزرگوارش خردسال بود، اگر این نقل صحّت داشته باشد، از مقام رفیع آن حضرت حکایت می‌کند و دلیل عالمه غیر معلّمه بودن آن حضرت خواهد بود. (۸۷) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اصحاب را به شنیدن حدیث و روایت کردن آن تحریک و تشویق می‌نمود و می‌فرمود: «نصر الله امرأ سمع منا حدیثاً فبلغه؛ خداوند نورانی کند کسی را که از ما حدیثی استماع کند و آن را ابلاغ نماید. (۸۸) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حدیث فی حلال و حرام تأخذ من صادق خیر من الدنيا وما فیها، من ذهب اوفضه؛ حدیثی که در پیرامون حلال و حرام از شخصی راستگو فراگیری، از همه دنیا و آنچه طلا- و نقره در آن است بهتر است. (۸۹) روایات وارده در پیرامون شرافت و فضیلت راویان حدیث بسیار فراوان است و برخی در این رابطه کتاب مستقلی تألیف کرده‌اند، که از آن جمله؛ خطیب بغدادی صاحب تاریخ بغداد است وی متوفای ۴۶۳ ه. ق که ۳۳۴

روایت در این زمینه در کتابی به نام: شرف اصحاب الحدیث گرد آورده است. (۹۰)

## تاریخ وفات حضرت معصومه علیها السلام

مدارک متعددی وجود دارد که حضرت معصومه علیها السلام در سال ۲۰۱ ه.ق در قم، وفات نموده است، چنان که در کاشی کاری‌های اطراف حرم که از قرن‌ها پیش به جای مانده مرقوم شده است. ولی در مورد روز و ماه وفات آن حضرت، اختلاف است تا سه قول گفته شده است: (۱) طبق برخی از مدارک، دهم ربیع الثانی، بوده است. (۲) مطابق بعضی از مدارک، دوازدهم ربیع الثانی بوده است. (۳) و بر اساس مدارک دیگر، هشتم شعبان بوده است. هیچ یک از این سه قول، آن گونه که باید، مورد اطمینان نیست. ولی همان گونه که بعضی از بزرگان گفته‌اند: انصاف این است که برای جمع بین قول اول و دوم و برای بزرگداشت مقام آن بزرگ بانوی دو جهان، سه روز (روز ۱۰ و ۱۲ و ۲۴ ربیع الثانی) به عنوان ایام معصومیه مراسم سوگواری برقرار کرد. چنان که در سال‌های اخیر مسؤولین و دست اندرکاران آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام همین کار را شروع نموده، و این سنت خوب به جریان افتاده است.

## خواهران و برادران حضرت معصومه علیها السلام

این مطلب واضح و روشن است که بین مورّخین درباره فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام اختلاف است و اقوال مختلفی را در کتاب‌های تاریخ بر شمرده‌اند که ما به نقل شیخ مفید رحمه الله که از بزرگان علمای شیعه و قدمای اصحاب است اکتفا می‌نماییم و قول ایشان را اختیار کرده و میزان قرار می‌دهیم. شیخ مفید قدس سره می‌فرماید: تعداد فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سی و هفت نفر بوده‌اند که تعداد هیجده نفر آنها پسر و نوزده نفر دختر می‌باشند. اما پسران: ۱- حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام ۲- ابراهیم بن موسی ۳- عباس بن موسی ۴- قاسم بن موسی ۵- اسماعیل بن موسی ۶- جعفر بن موسی ۷- هارون بن موسی ۸- حسن بن موسی ۹- احمد بن موسی (معروف به شاهچراغ) ۱۰- محمد بن موسی ۱۱- عبد الله بن موسی ۱۲- حمزه بن موسی ۱۳- اسحاق بن موسی ۱۴- عبیدالله بن موسی ۱۵- زید بن موسی ۱۶- حسین بن موسی ۱۷- فضل بن موسی ۱۸- سلیمان بن موسی. اما دختران: ۱- حضرت فاطمه کبری ۲- فاطمه صغری ۳- رقیه صغری بنت موسی بن جعفر علیه السلام ۴- حکیمه ۵- ام اییها ۶- رقیه صغری ۷- کلثوم یا کلثم ۸- ام جعفر ۹- لبانه ۱۰- زینب ۱۱- خدیجه ۱۲- علیّه ۱۳- آمنه ۱۴- حسنه ۱۵- بُرّیه ۱۶- عباسه ۱۷- ام سلمه ۱۸- میمونه ۱۹- ام کلثوم (۹۱).

## مخدرات دیگری که در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام دفن هستند

بنا به نقل تاریخ قم و مرحوم علامه مجلسی، عده‌ای از خانم‌های وابسته به خاندان رسالت‌علیهم السلام در این بقعه شریفه مدفون می‌باشند که عبارتند: ۱- میمونه دختر موسی مبرقع و نوه حضرت جواد علیه السلام ۲- امّ محمد دختر موسی مبرقع و نوه حضرت جواد علیه السلام ۳- امّ قاسم دختر علی کوبی. ۴- امّ اسحاق جاریه محمد فرزند موسی مبرقع ۵- امّ حبیب جاریه ابو علی نوه حضرت امام رضا علیه السلام

## فصل سوم: زیارت حضرت معصومه علیها السلام

### واژه زیارت



واژه معروف و محبوب زیارت با توجه به مشتقات آن در معانی مختلفی به کار رفته است، که از آن جمله است: دیدار، پیشواز، تمایل، اعراض، آهنگ سفر، مهیای سفر، مرکب تیز پا، گوشه چشم، عزیمت به سوی مقصود، اصلاح و تقویت خویشتن، سینه، قفسه سینه، بالا آمدن قفسه سینه و گرامی داشت مهمان. (۹۲)

## فضیلت زیارت

دعا و زیارت، پرو بال گشودن از گوشه تنهایی، تا اوج با خدا بودن است. دعا و زیارت، جامی است زلال از معنویت ناب در کام عطشناک زندگی، و زیارت حرم معصومه علیها السلام بارقه‌امیدی در فضای غبار آلود زمانه، فریاد روح مهجور در هنگامه غفلت و بی‌خبری و نسیمی فرحناک و برخاسته از باغستان‌های بهشت است، زیارت مرقد معصومه علیها السلام به انسان اعتماد به نفس می‌دهد، و او را از غرق شدن در گرداب نومیدی باز می‌دارد و به تلاش بیشتر دعوت می‌کند. زیارت مزار با صفای کریمه اهل بیت علیهم السلام سبب می‌شود که زائر حرم، خود را نیازمند پروردگار ببیند، در برابر او خضوع کند، و از مرکب غرور و تکبر که سرچشمه تمامی بدبختی‌ها و سیه‌روزی‌هاست پایین می‌آید و حضرت معصومه علیها السلام را واسطه درگاه پروردگار عالمیان قرار دهد. بر همین اساس است که برای زیارت آن حضرت، پاداش بسیار بزرگی وعده داده شده و آن ورود به بهشت است. در این باره از امام جواد علیه السلام نقل شده که فرمود: هر کس عمه‌ام را در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست. شهر قم به واسطه حضور و دفن گوهری آسمانی از فرزندان باب الحوائج موسی بن جعفر علیه السلام، الگوی عفت و حیا و تقوی، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مفتخر به کسب مدال عَش آل محمد صلی الله علیه و آله گردید و به برکت آن، پرچمدار فرهنگ ناب محمدی صلی الله علیه و آله و فقه پویای جعفری و منادی ایمان و معنویت شد. به یمن قدم‌های آسمانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قم تبدیل به سنگری مستحکم و دژی نفوذناپذیر در دفاع از اسلام و آرمان‌های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام شده و پایگاهی عظیم و مهم برای پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گردید. آری طبق روایات وارده، شهر قم دری از درهای بهشت است و اگر قم نبود آسمان و زمین قرار نمی‌داشت و زمین اهلش را فرو می‌برد. قم مأوای فاطمین است و قرارگاه یاران ولی الله الاعظم صاحب الزمان علیه السلام و قم زادگاه انقلابی است که همچون طوفانی سهمگین طومار ظلم و ستم را درهم می‌پیچد و استکبار جهانی را به زانو در می‌آورد. و در یک کلمه قم به برکت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام کانون نور، مرکز علم، معدن خیرات و برکات است و حجت خدا بر اهل زمین و چه افتخاری برای اهل قم که مجاور چنین فضای ملکوتی و چنین بارگاه نورانی و پربرکتی هستند. بدیهی است که مجاورت با حرم مطهر کریمه اهل بیت علیهم السلام اقتضانات خاص خود را دارد که بر همه ما رعایت آن لازم و ضروری است. اهل قم به خوبی می‌دانند که نگاه جهانیان به آن‌ها دوخته شده است و همه دنیا شاهد بود که مردی از قم قیام کرد و ریشه ظلم و ستم را از کشور امیرالمؤمنین علی علیه السلام از بیخ و بن برکند و به اسلام و شیعه حیات تازه‌ای بخشید. جناب آقای حاج سید حسن مولوی که داماد مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم قدس سره می‌باشد فرمودند: پیش از ماه رمضان (شعبان ۱۴۹۹ ه.ق) شبی در عالم رؤیا دیدم که در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام هستم و مشغول زیارت می‌باشم. یک مرتبه خورشید فروزان جهان هستی با عظمت و شکوه خاصی تشریف فرما شدند نقابی به صورت مبارکشان بود، ولی عظمت، جذابیت و نورانیت آن مهر فروزان چیزی نبود که در پشت نقاب مخفی شود. به سویس دویدم که دست مبارکش را بوسه باران کنم، راه خود را کج کردند و به سوی ضریح مقدس عمه بزرگوارشان تشریف فرما شدند. یکی از فضیلت‌های برجسته حوزه و از موالیان دلسوخته و پاک‌باخته خاندان عصمت و طهارت جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج سید احسان الله سبزواری فرمودند: با یکی از دوستان در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام نشسته بودم، از یکی از دوستان مورد اعتماد نقل کرد که شبی در عالم رؤیا دیدم که وجود مقدس حضرت بقیة الله اروحا فداه در حرم مطهر کریمه اهل بیت علیهم السلام

هستند و در این نقطه از مسجد بالاسر مشغول نماز هستند. نقطه‌ای که ایشان اشاره کردند، کنار پایه در مسجد بالاسر، کمی عقب‌تر از در بزرگی است که مقابل ضریح مقدّس قرار دارد. با توجه به انحراف قبر مطهر نسبت به ضریح، این نقطه کمی عقب‌تر از محاذات قبر شریف حضرت معصومه علیها السلام می‌باشد. من از مشاهده طلعت زیبای خورشید فروزان امامت بسیار خوشحال شدم، نزدیک رفتم که سلامی عرض کنم و حاجات خود را به محضر مقدّس حجّت خدا عرضه بدارم، با دست مبارکشان به سوی ضریح اشاره کردند و فرمودند: من به عمّه‌ام جسارت نمی‌کنم، هر حاجتی دارید از ایشان بخواهید. چه زیباست که حجّت الهی و قطب جهان هستی، به عمّه بزرگوارشان ارجاع می‌کنند و بدین وسیله سائل را به مقام شامخ عمّه بزرگوارشان متوجه می‌کنند. این همان نکته مهمی است که امر شده در حرم ائمه‌علیهم السلام مقدم بر قبر شریف نماز نخوانیم، حتی در محاذات قبر نیز نخوانیم، بلکه رو به ضریح و یا در دو طرف ضریح، عقب‌تر از قبر شریف باشیم، چنان که شخص حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در مورد محل نماز در حرم ائمه‌علیهم السلام در تویع شریف مرقوم فرموده‌اند: اما نماز باید پشت سر امام خوانده شود و قبر شریف در جلوی روی نماز گزار قرار بگیرد، هرگز جایز نیست که در پیش روی امام، یا در طرف راست و یا طرف چپ امام نماز خواند، زیرا نمی‌شود که مقدم یا مساوی با امام علیه السلام ایستاد. (۹۳) جالب توجه است که حضرت ولی عصر ارواحنا فداه در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام نیز این نکته را رعایت فرموده‌اند. ولی برخی از مردم حتی در حرم ثامن الائمه علیه السلام این موضوع را رعایت نمی‌کنند.

### سند زیارت‌نامه

زیارت‌نامه حضرت معصومه علیها السلام به تصریح علامه مجلسی قدس سره از محضر مقدّس امام رضا علیه السلام روایت شده است. (۹۴) علامه مجلسی علاوه بر دائرة المعارف بزرگ بحار الانوار در کتاب ارزشمند تحفه الزائر نیز این حدیث شریف مشتمل بر زیارت‌نامه را از امام رضا علیه السلام نقل فرموده است. (۹۵) اهمیت درج این روایت در کتاب تحفه الزائر آن است که علامه مجلسی در مقدمه آن ملتزم شده که در آن تنها زیارت‌هایی را نقل کند که با سند معتبر به دستش رسیده باشد. (۹۶) بعد از علامه مجلسی، شخصیت برجسته جهان تشیع، مرجع والامقام آیت الله آقا جمال خوانساری متوفای ۱۱۲۵ ه.ق این حدیث را در کتاب مزار خود آورده و می‌فرماید: در روایت معتبر دیگر نقل نموده‌اند که حضرت امام رضا علیه السلام به سعد اشعری فرمود: که ای سعد نزد شما از ما قبری هست. (۹۷) پژوهشگر بزرگ، آیت الله حاج سید حیدر کاظمی؛ متوفای ۱۲۶۵ ه.ق در کتاب پراج عمده الزائر زیارت‌نامه حضرت معصومه علیها السلام را به شرح زیر آورده است: در برخی از کتب مزار اصحاب ما با سند حسن از سعد از علی بن موسی الزضاعلیه السلام روایت شده که خطاب به سعد فرمود: ای سعد برای ما در نزد شما قبری هست... تا پایان زیارت‌نامه. (۹۸) سید حیدر کاظمی از مراجع برجسته قرن سیزدهم و نیای بزرگ خاندان رفیع آل سید حیدر در کاظمین بود. شیخ آغا بزرگ تهرانی در حق او می‌نویسد: عالم، فقیه، محدث، جلیل القدر، مرجع عام و خاص غیور در دین و مدافع سرسخت در دفاع از حریم پروردگار بود (۹۹) در قم شهری است که متجاوز از چهار صد امام‌زاده واجب‌التعظیم در آن آرمیده و مدفونند و این خاک مقدّس، پیکر پاک این عده کثیر از آل علی علیه السلام را در خود جای داده است و علما و فقها و محدثین بزرگ شیعه و اصحاب ائمه‌علیهم السلام به قدری در سرزمین قم، به ویژه در اطراف حرم شریف و صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفونند که به شمار نمی‌آید. و روی این قداست خاص است که فقیه نامدار و اصولی جلیل القدر، مرحوم حاج محمّد ابراهیم کلباسی (کرباسی) اعلی الله مقامه، مرجع معاصر مرحوم میرزای قمی، بنابر آنچه که منقول و معروف است، هنگامی که از اصفهان به قم می‌آمد، از پل علی خانی (دروازه معصومه سابق) یا از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام کفش‌های خود را بیرون آورده و به دست می‌گرفت و تا حرم مطهر، پیاده می‌رفت و می‌فرمود: در اینجا علمای ابرار و اصحاب ائمه و محدثان بسیار آرمیده‌اند و

سراسر این قسمت، قبور آن بزرگواران است. (۱۰۰)

### زیارت حضرت معصومه علیها السلام از منظر روایات

درباره فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام روایات فراوانی از پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است؛ از جمله، هنگامی که یکی از محدثان برجسته قم، به نام سعد بن سعد به محضر مقدّس امام رضا علیه السلام شرفیاب می‌شود، امام هشتم خطاب به ایشان می‌فرماید: ای سعد! از ما در نزد شما قبری است. سعد می‌گوید: فدایت شوم، آیا قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام را می‌گویید؟ می‌فرماید: آری، هر کس او را زیارت کند، در حالی که به حقّ او آگاه باشد، بهشت از آن اوست. (۱۰۱) پیشوای جهان تشیع امام جعفر صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب گردد. و در حدیث دیگری آمده است: زیارت او هم‌سنگ بهشت است. (۱۰۲)

### زیارت نقل شده درباره حضرت معصومه علیها السلام

یکی از ویژگی‌های حضرت معصومه علیها السلام ورود زیارت نامه‌ای از سوی معصومان علیهم السلام درباره ایشان است که پس از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام او تنها بانوی بزرگواری است که زیارت مأثور دارد. بانوان برجسته‌ای چون: آمنه بنت وهب، فاطمه بنت اسد، خدیجه بنت خویلد، فاطمه امّ البنین، زینب کبری، حکیمه خاتون و نرجس خاتون که هیچ شک و تردیدی در مقام بلند و جایگاه رفیع آنها نیست؛ هیچ کدام زیارت مأثور از سوی معصومان علیهم السلام ندارند و این نشان دهنده مقام والای این بانوی گرانقدر اسلام است، باشد که شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به ویژه بانوان، این مقام بزرگ و عالی را پاس بدارند و همواره الگو و مظهر عفاف و تقوا و حیا باشند. تنها در این صورت است که روح با عظمت این بانوی بزرگ از همه ما خشنود خواهد شد.

### اهتمام شیعه به زیارت حضرت معصومه علیها السلام

زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در نزد شیعیان، بسیار با اهمیت است و آنان از دیر زمان، بدان اهمیت داده، حتی اگر ساکن قم نباشند رنج سفر را بر خود هموار کرده برای عرض ادب به پیشگاه مبارک آن حبیبه دربار خدا به قم مشرف می‌شوند. بسیاری از شیعیان کشورهای خارج که برای زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران می‌آیند، اهتمام کامل دارند که از مشهد به قم بیایند و قبر منور حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را هم زیارت کنند. و بالاخره هر سال جماعت بسیاری از شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام از اطراف و اکناف ایران، از اقصی نقاط جهان و از بلاد دور دست، برای درک فیوضات بی‌شمار در پرتو زیارت آن معظمه آل عصمت، به قم آمده، در کنار قبر شریف و مرقد دلربای وی عرض ادب و اخلاص می‌کنند. عشق و علاقه قلبی و عمیق دلداگان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به زیارت کریمه خاندان وحی، حضرت معصومه علیها السلام چنان است که گاهی خیل عاشقان و علاقمندان آن حضرت، وارد شهر قم می‌شوند و چون در این شهر، آشنایی نداشته و وضع مالی و مادی آنان ایجاب نمی‌کند که در هتل‌ها و حتی مسافرخانه‌های معمولی سکونت کنند، در کنار رواق‌ها و صحن‌های شریف و گاهی در میادین و خیابان‌های مجاور حرم شریف مختصر چیزی را انداخته، فرش می‌کنند و با کمبود وسایل و نبود امکانات لازم، مختصر غذایی طبخ و یا تهیه می‌نمایند و همان‌جا در گرما و سرما استراحت می‌نمایند. آری، همه این سختی‌ها را تحمل کرده و بر خود هموار می‌سازند. دلخوشی آنان به این است که توانسته‌اند، قبر مطهر دختر موسی بن جعفر علیهما السلام را زیارت کنند، اینها مظاهر عشق و علاقمندی مردم مسلمان و دیندار، به زیارت بانوی اسلام و کریمه اهل بیت علیهم السلام است، علمای بزرگ و طراز اول

شیعه، همواره اهتمامی ویژه به زیارت حضرت معصومه علیها السلام داشتند؛ از جمله آنان، مرحوم آیت الله گلپایگانی قدس سره بودند. ایشان سالیان سال، نماز صبح را در مسجد بالاسر می‌خواندند و در همین فرصت، مدتی را نزدیکی قبر مطهر حضرت معصومه علیها السلام می‌نشستند و به زیارت و دل‌گویی با آن حضرت می‌پرداختند. در سال‌های اواخر اشتغالشان به تدریس، روز چهارشنبه بعد از فراغت از درس، به حرم مشرف می‌شدند و مدتی را بالای سر حضرت معصومه علیها السلام درست متصل به قبر مبارک، به زیارت و عبادت می‌پرداختند. مرحوم حاج آقا حسین فاطمی رحمه الله راجع به استادش، مرحوم آقای حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می‌نویسد: برای رفتن به زیارت حضرت معصومه علیها السلام بسیار جدیت داشتند، با داشتن مرض قلب، همه روزه به حرم مشرف می‌شدند. (۱۰۳) از بعضی از آثار گذشتگان مانند نوشته شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی استفاده می‌شود که زیارت حضرت معصومه علیها السلام اختصاص به شیعه نداشته، بلکه اهل سنت و علمای و دانشمندان آنان نیز به زیارت بانوی بهشتیان می‌رفته‌اند. عبارت او در این مورد چنین است: و اهل قم به زیارت فاطمه علیها السلام بنت مطهره موسی بن جعفر روند که ملوک و امرا و علمای حنفی و شافعی به زیارت آن تربت، تقرب نمایند. (۱۰۴)

### محبت و مباحات حضرت معصومه علیها السلام به امام هشتم علیها السلام

شیخ محمد تقی تستری (شوشتری) در قاموس الزجال، حضرت معصومه علیها السلام را به عنوان بانوی اسوه معرفی کرده و فضیلت وی را در میان دختران و پسران حضرت موسی بن جعفر علیها السلام غیر از امام رضاعیه السلام بی‌نظیر دانسته است، ایشان در این زمینه چنین می‌نویسند: در میان فرزندان امام کاظم علیها السلام با آن همه کثرتشان، بعد از امام رضاعیه السلام کسی هم‌شأن حضرت معصومه علیها السلام نیست. بی‌گمان این گونه اظهار نظرها و نگرش به شخصیت فاطمه دختر موسی بن جعفر علیها السلام بر برداشت‌هایی استوار است که از متن و روایات وارده از ائمه اطهار علیهم السلام به دست آمده است، این روایت‌ها، مقام‌هایی را برای فاطمه معصومه علیها السلام بر شمرده‌اند، مقامی که نظیر آن را برای دیگر برادران و خواهران وی ذکر نکرده‌اند و به این ترتیب، نام فاطمه معصومه علیها السلام در شمار زنان برتر جهان قرار گرفته است.

### شفاعت حضرت معصومه علیها السلام

بالا‌ترین جایگاه شفاعت، از آن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که در قرآن کریم، از آن به مقام محمود، تعبیر شده است، همین طور دو تن از بانوان خاندان رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله شفاعت گسترده‌ای دارند که بسیار وسیع و جهان شمول است و می‌تواند همه اهالی محشر را فرا گیرد، این دو بانوی عالی قدر، صدیقه اطهر، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و شفیعه روز جزا و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام هستند. در مورد شفاعت گسترده حضرت زهرا علیها السلام همین بس که شفاعت، مهریه آن حضرت است و به هنگام ازدواج، پیک وحی طاقه ابریشمی از سوی پروردگار آورد که در آن جمله: خداوند مهریه فاطمه زهرا را، شفاعت گنجهکاران از امت محمد صلی الله علیه و آله قرار داد. این حدیث از طریق اهل سنت نیز نقل شده است. (۱۰۵) پس از فاطمه زهرا علیها السلام از جهت جایگاه شفاعت، هیچ بانویی به شفیعه محشر، حضرت معصومه علیها السلام نمی‌رسد. بر همین اساس است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: با شفاعت او، همه شیعیان وارد بهشت می‌شوند. (۱۰۶)

### بیت النور یا محراب عبادت حضرت معصومه علیها السلام

یکی از مدارس علوم دینی قم، مدرسه ستیه است که در محله میدان میر جنب عبادت‌گاه حضرت معصومه علیها السلام واقع شده و

مشهور است که حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در دوران اقامتشان در قم (یعنی در فاصله ورود تا وفاتشان) در این مکان به سر می‌برده و دوران هفده روز کسالت و بیماری خود را در آنجا گذرانیده‌اند و برای آن مجلله معظمه، در آن مکان، محرابی بوده است که در آن عبادت می‌کرده‌اند و به گفته بعضی از اهل تحقیق، آن بقعه مبارکه را بیت النور خوانده‌اند و آن بقعه، جزء خانه موسی بن خزرج بوده که وی از حضرت معصومه علیها السلام در آنجا پذیرایی کرده است. (۱۰۷) در ذیل روایتی که مرحوم مجلسی رحمه الله در شرح حال حضرت معصومه علیها السلام نقل کرده آورده است که محراب نماز فاطمه معصومه علیها السلام تا هم‌اکنون در خانه موسی بن خزرج موجود است. (۱۰۸) مرحوم محدث قمی رحمه الله بعد از نقل این مطلب می‌گویند: فقیر گوید: در زمان ما نیز آن محراب، موجود است و آن واقع است در محله میدان میر و معروف است به سَئیه و سَتی به معنی خانم و بی‌بی است. (۱۰۹) و ما نیز مکرر به زیارت آن مکان مقدس رفته‌ایم. حجره مزبور که محراب مبارک حضرت معصومه علیها السلام در آن قرار دارد در قسمت جنوبی مدرسه، واقع شده است. در پیشانی درگاه شمالی بقعه، عبارت: یا فاطمه اشغعی لی فی الجنه و در ذیل آن، این بیت ثبت است: این جایگاه کیست که این سان منور است این سجده گاه دختر موسی بن جعفر است

## دو نکته مهم و قابل توجه

۱- دخت بلند مقام حضرت موسی بن جعفر علیها السلام در مدت هفده روز که در قم و در خانه موسی بن خزرج اقامت داشته، محراب مخصوصی برای عبادت و نیایش ترتیب داده بودند و این درسی بزرگ، برای عموم پیروان مکتب آل محمد صلی الله علیه و آله به ویژه زنان و دختران مسلمان است که به نماز و نیایش و بندگی خدای تعالی اهتمام بورزند و آن را امری سهل و آسان قلمداد نمایند. ۲- الطاف الهی را درباره شیعه بنگرید که این بانوی با کرامت از دو نقطه شهرستان قم، فیض بخشی می‌کند: یکی اقامتگاه چند روزه او و دیگری مدفن پیکر پاکش. و هر دو مکان، از قداست خاصی برخوردار است و متوسلان به ذیل عنایات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، گاهی از آن بقعه مبارکه و دیگر گاه از این قبه و مطهره، توسل پیدا کرده، دست حاجت و نیاز به درگاه الهی بلند می‌نمایند و مشمول افاضات غیبی پروردگار بزرگ واقع می‌شوند. از رهگذر خاک سرکوی شما بود هر نافه که در دست نسیم سحر افتاد

## فصل چهارم: کرامات حضرت معصومه علیها السلام

### توضیحی درباره کرامت و ولایت تکوینی

یکی از اقسام ولایت‌ها که در سطح بالایی قرار داد (ولایت تکوینی) است. ولایت تکوینی آن است که کسی توانایی تصرف در جهان آفرینش داشته باشد، مثلاً حضرت عیسی علیه السلام دارای مقام ولایت تکوینی بود، یعنی می‌توانست در جهان خلقت تصرف کند و به تعبیر قرآن، به اذن خدا، با میدن به مجسمه گلی پرنده، آن را زنده کرده و به پرواز در آورد و یا کور مادر زاد را بینا نماید، و یا بیماری بی‌درمان برص را درمان بخشد و از همه بالاتر مرده را زنده کند. (۱۱۰) این قدرت ملکوتی عیسی علیه السلام به خاطر آن بود که او عبد کامل خدا و از اولیاء و پیامبران بود. و انسان می‌تواند در پرتو بندگی خالص و کامل به چنان مقاماتی برسد. و مظهر صفات کمال و جلال خدا گردد، چنان که امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود: «العبودیه جوهرة کنهها الربوبیه؛ عبودیت و بندگی گوهری است که ربوبیت در آن نهفته است». (۱۱۱) یعنی عبودیت انسان را به قدری به خدا نزدیک می‌کند که مظهر صفات خدا می‌شود، و به اذن پروردگار می‌تواند در جهان تکوین، تصرف کند. توضیح این که وصول به ربوبیت در پرتو پیمودن مراحل عبودیت گرچه در ظاهر تعبیر زنده‌ای است؛ زیرا معنی این جمله: از بندگی تا خداوندگاری است، مگر می‌شود

انسان از مرز بندگی خارج شود، یا در مرز خدایی گام بگذارد؟ «این التراب و ربّ الارباب؛ خاک کجا و پروردگار پروردگارا کجا؟» ولی به گفته استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله باید توجه داشت که خدایی غیر از خداوندگاری است، مقصود از حدیث فوق این است که انسان در پرتو بندگی به خداوندگاری می‌رسد. (۱۱۲) یعنی انسان در پرتو پیمودن مراحل عالی بندگی، دارای روح ولایت تکوینی می‌شود و می‌تواند کارهای معجزه‌آسا کند و کرامت‌های عجیب از او سرزنند. (۱۱۳) حضرت معصومه علیها السلام نیز بر اثر کمال عبودیت و عرفان و دستیابی به مقامات عالی معنوی به مرحله‌ای رسید که دارای چنین امتیازی شده و می‌تواند از مقام ولایت خود استفاده کرده و کارهای معجزه‌آسا و کرامت‌های شگفت کند. در اینجا به چند نمونه از باب تبرک، نظر خوانندگان گرامی را جلب می‌کنیم.

### چند کرامت از حضرت معصومه علیها السلام

#### ۱ - محروم از فیض حضور

نقل می‌کنند شخصی به نام سید عبدالرحیم که مورد وثوق بود، گفت: در عالم خواب دیدم، در قبرستان بزرگ قم جمعیت بسیاری هستند، در این هنگام شخصی بزرگواری را که سوار بر اسبی بود و از بازارچه می‌آمد مشاهده نمودم، دیدم در پشت سر آن سوار، شخصی گفت: این سوار حضرت حجت علیه السلام می‌باشد، تا این خبر را شنیدم، سراسیمه به دنبال آن حضرت شتافتم، دیدم آن حضرت به صحن مطهر آمد و در آنجا پیاده شد. صحن خلوت بود، کسی را جز آن حضرت و شخصی که همراهش بود در آنجا ندیدم، مشاهده کردم که آن‌ها عبور کرده تا به در صحن عتیق رسیدند، افسار اسب را به دست من دادند تا آن را نگهدارم، با خود گفتم نگهداشتن اسب خوب است یا همراه حضرت بودن؟ سرانجام همراهی حضرت را برگزیدم و افسار اسب را به دست همان شخصی که همراه امام بود دادم و خودم به دنبال حضرت روانه شدم، دیدم حضرت وارد حرم شد و در بالا سر مرقد حضرت معصومه علیها السلام توقف کرد، هیچ کس از خدام نبودند، پیش خود فکر می‌کردم آیا به حضور حضرت بودم یا نروم؟ در کنار رواق ایستادم، صدای آن حضرت را می‌شنیدم، اما چیزی نمی‌فهمیدم، پس از مدتی آن حضرت از حرم بیرون آمد و من نیز از حرم بیرون آمدم و پشت سر او به راه افتادم، ولی ناگهان ناپدید شد و هرچه جست و جو کردم دستم به دامنش نرسید و از فیض حضور آن بزرگوار محروم گشتم. (۱۱۴)

#### ۲ - نجات گروه سرگردان با راهنمایی حضرت معصومه علیها السلام

سال‌ها قبل از انقلاب، گروهی از مردم یکی از شهرهای دور، در فصل زمستان برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام عازم شده بودند. شب فرار رسید، برف سنگینی در زمین نشسته بود، این گروه در چند فرسخی قم راه را گم کردند و در بیابان بدون وسیله سرگردان شده و در مخاطره شدید قرار گرفتند همانجا دست توصل به دامن حضرت معصومه علیها السلام زدند تا با نشان دادن راه، آن‌ها را از خطر برهانند. طبق سند موثق، یکی از خدام آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام مرحوم سید محمّد رضوی می‌گوید: در آن شب (بدون اطلاع از زائران در به در و سرگردان) در حرم بودم، اندکی خوابیدم، در عالم خواب دیدم حضرت معصومه علیها السلام نزد من آمد و فرمود: برخیز چراغ گلدسته‌ها را روشن کن به ساعت نگاه کردم دیدم اندکی از نیمه شب گذشته و هنوز چهار ساعت به اذان صبح باقی است و ما طبق معمول اندکی قبل از اذان، چراغ‌های گلدسته‌های را روشن می‌کردیم. (۱۱۵) خوابیدم، دوباره حضرت معصومه علیها السلام را در خواب دیدم، این بار با تندى به من فرمود: برخیز مگر نگفتم چراغ‌های گلدسته‌ها را روشن کن. برخاستم و چراغ گلدسته‌ها را روشن کردم، دیدم برف سنگینی آمده و همه جا را سفید پوش



نموده است ولی شگفت زده شده بودم که چرا امشب به دستور حضرت معصومه علیها السلام چراغ‌ها را زودتر روشن نموده‌ام؟ آن شب به سر آمد، صبح روز بعد که هوا آفتابی بود، از حرم عبور می‌کردم، شنیدم چند نفر از زائران به همدیگر می‌گویند: حضرت معصومه علیها السلام به داد ما رسید، چقدر باید از محضر مقدسش تشکر و سپاس‌گزاری نماییم! اگر چراغ‌های گلدسته‌ها روشن نمی‌شد، ما در دل شب و آن تاریکی ظلمانی راه را هرگز پیدا نمی‌کردیم. راز خواب را دریافتم که چرا حضرت معصومه علیها السلام به من می‌فرمود: برخیز و چراغ گلدسته‌ها را روشن کن. (۱۱۶)

### ۳ - رفع خطر شدید سیل:

کسانی که به وضع جغرافیایی شهر قم آگاهی دارند می‌دانند که در وسط شهر قم رودخانه بزرگی قرار گرفته که مسیر آب باران ده‌ها فرسخ از زمین‌های قبل از پایین گلپایگان و دلجان تا خود قم به همین رودخانه ریخته و در نهایت به دریاچه قم می‌ریزد. هنگام بارش‌های شدید پی در پی، سیل‌های خطرناکی در این رودخانه به جریان می‌افتد، و چنان که تاریخ قم نشان می‌دهد قرن‌ها پیش تاکنون چندین بار طغیان سیل رودخانه، موجب خسارت‌های بسیار شده است. در یکی از این موارد نوشته‌اند: زمانی سیل بسیار عظیمی آمد که اهل قم را فوق العاده ترسانده، هر لحظه انتظار می‌رفت که خطر سیل ساختمان‌ها را ویران کند. در این بحران شدید مشاهده شد که دستی نمایان گردید و به سیل اشاره کرد، و آن سیل به سوی دیگر رفته و رفع خطر نمود، از این رو شیخ زکی باغبان در شرفنامه معروف خود می‌گوید: روزی که سیل سیمره از رود ناربار آمد به شهر قم ز قضایای کردگار دانی که کرد دفع بلا از این دیار معصومه بود دختر موسی سرفراز ذریه رسول خدا، غمگسار قم (۱۱۷)

### ۴ - نقاره‌خانه به صدا درآمد (۱۱۸)

نقل می‌کنند در زمان مرجعیت مرحوم آیه الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری، شخصی بود که بسیاری از مردم قم او را دیده بودند، قسمت پایین بدنش کم حس و فلج بود، به طوری که توانایی حرکت نداشت و هنگام راه رفتن پای خود را روی زمین می‌کشید، وی از اهالی قفقاز بود برای شفای پای خود به مشهد رفته بود ولی نتیجه‌ای نگرفته بود به قم آمده و به حضرت معصومه علیها السلام رو آورده بود تا شفا بگیرد. در یکی از شب‌های ماه رمضان بود که صدای نقاره‌خانه بلند شد، علت پرسیدند، گفتند حضرت معصومه علیها السلام شخصی را که در پا عاجز بود شفا داد، بعد معلوم شد که او همان شخص قفقازی است وقتی او را دیدند مثل این که اصلاً درد پا در او نبوده است و خودش می‌گفت: دیگر دردی در بدن و پای خود احساس نمی‌کنم. (۱۱۹)

### ۵ - توسل ملاصدرا به حضرت معصومه علیها السلام

صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی، معروف به ملاصدرا و صدر... اللهمین... علما، حکما و فلاسفه بزرگ دوره صفویان است، او پس از مرگ پدر، از شیراز به اصفهان آمد و در آنجا از محضر درس شیخ بهایی و میرداماد به کسب علم نمود و خود اعجوبه زمان و افتخار حکمای دوران گردید، او مدتی از عمر خود را در روستای کهک (که در چند فرسخی قم واقع شده) به سر برد و به تفکرات عمیق پرداخت. او مکرر به مکه برای انجام مراسم حج و عمره رفت و سرانجام در سفر هفتم هنگام مراجعت، در سال ۱۰۵۰ ه.ق در بصره درگذشت، تألیف‌های او به زبان عربی از این قرار است: اسفار اربعه، شرح اصول کافی، کتاب الهدایه و شرح حکمة الاشراق. دو نفر از شاگردان برجسته او به نام‌های ملامحسن فیض کاشانی و مولی عبدالرزاق لاهیجی ملقب به فیاض صاحب کتاب شوارق، مشارق و گوهر مراد، داماد او شدند و خود از دانشمندان و اساتید بزرگ عصر خود بودند، ملاصدرا هرگاه در مطالب علمی به مشکلات پیچیده برخورد می‌کرد، از روستای کهک به زیارت حضرت معصومه علیها السلام می‌آمد، و با توسل به

آن بی بی دو عالم مشکلات علمی اش حل می شد، و از منبع فیض وجود مبارک حضرت معصومه علیها السلام مستفیض می گردید. (۱۲۰) مرحوم آیه الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله مکرر می فرمود: هر وقت برای ملاصدرا مشکل علمی یا مطلب مبهمی پیش می آمد، در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به بی بی مکرّمه متوسل شده، و با استمداد از آن بانوی دو عالم مشکلش حل و آسان می شد. (۱۲۱)

## ۶ - هلاکت مزدور گستاخ

در عصر رضاخان و کشف حجاب، روزی رئیس شهربانی قم که مردمی گستاخ و بدزبان بود، به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام وارد شد و در همانجا به زنان باحجاب حمله کرد، تا چادر از سرشان بگیرند، آه و ناله زنان بلند شد در همین احوال غیرت آیه الله مرعشی نجفی رحمه الله که در آنجا حضور داشت، به جوش آمد و به آن قسمت رفته و برای جلوگیری از این واقعه، پس از بگو و مگو با او، سیلی محکمی به صورت رئیس شهربانی زد، او که از این سیلی سخت یکه خورده بود، آیه الله مرعشی نجفی را تهدید به قتل نموده ولی روز بعد همین رئیس گستاخ وارد بازار قم گردید، از قضا قسمتی از سقف ساختمان بازار بر سر او خراب شده، و او در همان دم به هلاکت رسید و از دنیا رفت. (۱۲۲) و این حادثه هم از کرامت های حضرت معصومه علیها السلام است که در حرمش، ستمگر گستاخی به زنان باحجاب حمله کرد، و سپس عالم بزرگ آیه الله العظمی نجفی را تهدید به قتل نمود، و هم از کرامت آیه الله العظمی مرعشی به حساب می آید. (۱۲۳)

## ۷ - شفای دخترک مبتلا به فلج

در آستانه سال ۱۳۷۵ شمسی که مقارن با اول ذی قعدة ۱۴۱۶ هجری قمری برابر با سالروز ولادت حضرت معصومه علیها السلام بود، کریمه اهل بیت علیهم السلام در دل زائرین خود نور امید تابانید و برای زائر دل خسته و دل شکسته خود که دخترک ۱۱ ساله از اهالی مازندران بود از خدای متعال طلب شفا نمود. زائری در نهایت پاک دلی و خلوص مدت ها به گلو درد و حالت تهوع مبتلا بود سرانجام بیماری او به فلج در ناحیه پای راست تبدیل گردید. پس از معالجات مکرر نزد اطباء متعدد، مایوس شد و در حالی که در هاله ای از غم فرو رفته بود به آینده تاریک خود فکر می کرد تا این که به زیارت این بانوی مکرّمه دعوت می شود. در شب جمعه ۱۳۷۴/۱۲/۳ به همراه خانواده خود به حرم مطهر مشرف می شوند و در حالی که مادر مهربان و دل سوخته او از سرشب تا به صبح در کنار فرزند دردمند خود بیدار می ماند و با خدای بزرگ راز و نیاز می نماید و حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دخت گرامی امام هفتم موسی بن جعفر علیهما السلام را به شفاعت می خواند، نزدیک اذان صبح مشاهده می کند بیمار او که مدت ها توان ایستادن و حرکت نداشت از خواب برخاسته و روی پا می ایستد! مادر با تعجب از حال او می پرسد و او را راه می برد و متوجه می شود که سلامت فرزندش بازگشته و مورد لطف و کرامت کریمه اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است. پس از دو روز از این واقعه که سلامتی این طفل تحقیق و تثبیت شد در دفتر کرامات حضرت معصومه علیها السلام ثبت گردید. آری اینجاست که جایگاه بلند لطف و مهربانی خداوند است. اینجاست که چنانچه با اخلاص و دلی سوخته قدم برداری بنا بر مصلحت الهی حاجت روا می گردی و این نمونه ای از هزاران عنایتی است که از جانب خدا و از آستین محدثه آل طه، مریم آل رسول، کریمه اهل بیت علیهم السلام فاطمه معصومه علیها السلام صادر گردیده امید که این عنایات خاصه شامل حال همه زائرین مخلص و با صفای این بارگاه نورانی قرار گیرد. (۱۲۴)

## ۸ - لطف حضرت معصومه علیها السلام به مداحش



آقا حسن احتشام (فرزند مرحوم سید جعفر احتشام) از منبری‌های قم بودند. پدر و پسر از قول آقا شیخ ابراهیم صاحب الزمانی تبریزی (که مرد روضه‌خوان با اخلاصی بود و قبل از درس مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمه الله چند دقیقه خطبه‌ای از نهج البلاغه و ذکر مصیبت مختصری می‌خواند) نقل کردند که او گفت: «ما اهل منبر با هم در مواقع تعطیلی، دوره‌ای داشتیم و دور هم جمع می‌شدیم و خودمان برای خودمان روضه می‌خواندیم. شبی من (یعنی آقا شیخ ابراهیم صاحب الزمانی) در خواب دیدم که خواستم به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شوم گفتند: ورود به حرم ممنوع است برای این که حضرت معصومه علیها السلام (با حضرت زهرا علیها السلام) - در بالای ضریح خلوت کرده‌اند و کسی را راه نمی‌دهند. من گفتم مادرم سیده بوده است و من محرم حضرت هستم، به من اجازه دادند رفتم دیدم که بله این دو با هم نشسته‌اند و در بالای ضریح با همدیگر صحبت می‌کنند از جمله صحبت‌ها این بود. که حضرت معصومه علیها السلام به حضرت زهرا علیها السلام عرض می‌کند: حاج سید جعفر احتشام (روضه‌خوان خودم را می‌گویم) برای من مدحی گفته است و ظاهراً آن مدح را برای حضرت زهرا علیها السلام می‌خواند. آقا شیخ ابراهیم این خواب را در آن جلسه دوره‌ای که اهل منبر در آن جمع بودند و حاج احتشام هم حضور داشت نقل می‌کند، حاج احتشام می‌گوید از آن شعرها چیزی یادت هست گفت: بله در آخر شعر داشت (دخت موسی بن جعفری) تا این را گفت حاج احتشام زد زیر گریه و گفت: بله توی اشعار من این کلمه هست. این احتشام از منبری‌های قم بود و خیلی باحال بود، هیچ منبری را ندیدم که خودش گریه کند و ایشان خودش روضه می‌خواند و خودش گریه می‌کرد بگماد بود و گریه زیاد می‌کرد. آقا حسن احتشام فرزند حاج احتشام گفت: به ایشان گفتم شعرا در آخر شعرشان تخلص دارند. شما هم برای خود تخلص تعیین کن، هرچه گفتم قبول نکرد تا با اصرار این شعر را گفت: ای فاطمه به جان عزیز برادرت به احتشام لطف نما قصر اخضری ایشان گفت قصر اخضر هم لطف کردند. گفتم چطور؟ گفت: همانجا که آقای مرعشی رحمه الله سجاده می‌انداختند، آنجا را به رنگ سبز گچ کاری کردند با سنگ مرمر و قبر حاج احتشام در همان قسمت از مسجد بالاسر واقع شد.

## ۹ - شفای سید فلج

سیدی بود در زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره به نام حاج آقا جمال هژیر که فلج شده بود و او را به دوش می‌گرفتند و در مجلس روضه‌ای که از طرف مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره در دهه عاشورا در مدرسه فیضیه منعقد می‌شد شرکت می‌کرد. او را به دوش می‌کشیدند و از اینجا به آنجا می‌برند. آقای سید علی سیف، خادم مرحوم حاج شیخ قدس سره که مردی خدوم و صریح اللهجه‌ای بود روزی در مجلس روضه به آن سید (آقا جمال) گفت: ای سید اگر راست می‌گویی و تو سید هستی چرا مردم را اذیت می‌کنی؟ از حضرت معصومه علیها السلام بخواه تو را شفا بدهد. این حرف به سید اثر کرد و غیظش گرفته و به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف گردید. و شال (عمامه) خود را از سرش باز کرد و به ضریح مقدس بست و عرض کرد: پانمی‌شوم تا شفا بگیرم. خوابش برد. در خواب او را شفا دادند و کاغذی کف دستش گذاردند و به او گفتند: این کاغذ را به حاج سید حسین آقا علوی بده. وقتی که از خواب بیدار شد کاغذ را در دستش دید، جرأت نمی‌کرد کاغذ را از مشتش بردارد. گفته بود به حاج شیخ عبدالکریم قدس سره هم نمی‌دهم، به هیچ کس نمی‌دهم و جرأت هم نمی‌کرد باز کند و نگاه کند، کاغذ در مشتش بود و می‌گفت: تا به حاج سید حسین آقا ندهم به کس دیگری نمی‌دهم (حتی به حاج شیخ عبدالکریم نشان نداد) معلوم نیست در آن کاغذ چه نوشته شده بود. (۱۲۵)

## ۱۰ - شفا در حرم حضرت معصومه علیها السلام با عنایت حضرت عباس علیه السلام

بانویی مدت‌ها بر اثر بیماری طولانی و شدید یکی از نزدیکانش رنج می‌برد، از معالجات و درمان‌ها نتیجه نگرفته بود، دستش از

همه جا بریده و به حرم حضرت معصومه علیها السلام پناهنده شد، و به آن بانوی ارجمند توسل جست، همچنان به توسل خود ادامه داد، تا این که شبی در عالم خواب دید حضرت معصومه علیها السلام به بالین او آمد و فرمود: بیمار را به حرم من بیاور و در این مکان خاص که در عالم خواب نشان داد بگذار، بنا است عمویم حضرت عباس علیه السلام به زیارت من بیاید، شفای بیمار تو را از عمویم می‌طلبم. این بانو می‌گوید: پس از بیدار شدن از خواب، خشنود شدم، و به دستور حضرت معصومه علیها السلام عمل کردم، شخص بیمارم را به آن مکان خاص از حرم حضرت معصومه علیها السلام بردم، او به محض این که در آن مکان نشست، احساس سلامتی کرد، و با خوشحالی گفت: خوب شدم و شفا گرفتم. (۱۲۶)

## ۱۱- توجه حضرت معصومه علیها السلام به خدمت‌گزار شهداء

آقای سید ابوالفضل رضوی زاده یکی از خدمت‌گزاران حرم مطهر می‌گوید: در اوایل جنگ که شهدا را برای طواف به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام می‌آوردند مجلس آن‌ها را با سینه‌زنی، نوحه سرایی، مداحی و هر کاری که از دستم می‌آمد، برای رضای خدا گرم می‌کردم. یکی از شب‌ها، آقای اشعری مداح اهل بیت علیهم السلام به من گفت: سید ابوالفضل! شب چهارشنبه برای دعای توسل به گلزار شیخان بیا کارت دارم. وقتی رفتم، بعد از مراسم دعا به من گفت: مادرم خواب پسر شهیدش دیده و او سراغ شما را گرفته و از مادرم پرسیده که آیا سید ابوالفضل زنده است یا مرده؟ مادرم به برادر شهیدم گفته: حالا چرا سراغ ایشان را می‌گیری؟ و او در جواب گفته: وقتی به شهیدان پیوستم، همگی آن‌ها سراغ سید را از من گرفتند و او را دعا کردند و گفتند: سید آدم خوبی است، چون در مراسم شهدا خیلی خدمت می‌کند. به همین خاطر مورد توجه بی‌بی حضرت معصومه علیها السلام و امام زمان علیه السلام هستند و ما از او راضی هستیم. ۱- تولیت محترم آستانه حضرت معصومه علیها السلام در حدود ساعت ۹/۵ صبح روز جمعه ۲۱ دی سال ۱۳۸۰ در جلسه‌ای که در سیمای تلویزیون قم کانال یک، پخش می‌شد چنین فرمود: پانزده روز قبل چند نفر ترک زبان، به دفتر من آمدند، چون فارسی نمی‌دانستند یک نفر مترجم خواستیم، او آمد و سخنان آن‌ها را برایم ترجمه می‌کرد، ماجرا از این قرار بود: دختر پانزده ساله‌ای کنار مادرش در رو به روی من ایستادند، مادر گفت: این دختر من یک سال است که بیمار روانی بود، و حال غیر عادی داشت، گفتم: مدارک دارید؟ او مدارک متعدد نشان داد، همراه عکس‌ها، فلیم‌ها، نسخه‌ها، نظریه پزشک‌ها و ... که همه مدارک مورد بررسی قرار گرفت، و همه آن‌ها صحیح بود و بر بیماری روانی آن دختر دلالت داشت. مادر افزود: یک شب همین دخترم از خواب برخاست و گفت: مرا به قم ببر! ما در اطراف زنجان سکونت داریم. (۱۲۷) بی‌بضاعت می‌باشیم، به دخترم گفتم: پول ندارم که خرج سفر را تأمین کنم و شما را به قم ببرم، دخترم گفت: گوشواره‌ام را بفروشید. من قبول کردم گوشواره‌اش را فروختم و با پول آن همراه دختر به قم سفر کردیم، صبح زود وارد حرم شدیم، کنار ضریح به حضرت معصومه علیها السلام متوسل شده و با سوز و گداز و گریه شفای دخترم را طلبیدم، دخترم نیز همین سوز و گداز را داشت، ولی همان حالت بیماری روانی او در چهره او دیده می‌شد، ناگاه دیدم دخترم جیغ و فریاد زد، گفتم چه شده. گفت: ده دوازده نفر مرد را در اینجا می‌بینم به من می‌گویند: برخیز. به آن‌ها می‌گویم نمی‌توانم برخیزم، باز دختر به حالت روانی خود فرو رفت و سکوت کرد. پس از مدتی با جیغ و فریاد برخاست و گفت: خوب شدم آن ده دوازده نفر به من گفتند: خانمی می‌آید و تو به دست او شفا می‌یابی، آن‌ها رفتند و خانمی آمد و به من فرمود: برخیز! گفتم: نمی‌توانم، فرمود: برخیز تو دیگر بیمار نیستی. در این هنگام دختر که در دفتر بود، گریه کرد و گفت: من یک سال بود چیزی را درک نمی‌کردم، اکنون همه چیز را درک می‌کنم. من به مادر دختر گفتم: شاید این دختر، امروز خوب شده باشد، شما بروید و پس از یک هفته به اینجا بیایید و گزارش کار را بدهید، آن‌ها قبول کردند، مخارج سفر را به آن‌ها دادم، آن‌ها رفتند و پس از هفت روز از زنجان بازگشتند و دختر گفت: از آن لحظه شفا تاکنون کاملاً خوب شده‌ام و هیچ‌گونه عارضه ندارم. در این هنگام اطمینان به شفا دادن حضرت معصومه علیها السلام پیدا کردیم و گفتم:

برای اطلاع مردم، نقاره را به صدا در آوردند. نقاره چند روز قبل به صدا در آمد و آن‌ها که در اطراف حرم بودند، صدای آن را شنیدند و از این کرامت اطلاع یافتند.

## فصل پنجم امامزادگان مدفون در قم

### امام زادگانی که در کنار مرقد حضرت معصومه عليها السلام مدفونند

صرف نظر از بانوانی که قبرشان در حرم حضرت معصومه عليها السلام است: امام زادگان و سادات جلیل القدر نیز در اطراف روضه مطهر حضرت معصومه عليها السلام به خاک سپرده شده‌اند، و دارای چندین قبه جداگانه بوده‌اند که اکنون جزء بیوتات آستانه درآمده است، این گروه عبارتند از: ۱- سید ابوالحسن حسین بن حسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن امام صادق علیه السلام ۲- حمزه بن احمد بن امام سجاد علیه السلام ۳- ابو جعفر محمد بن حمزه ۴- ابوالقاسم علی بن محمد بن حمزه ۵- علی بن حمزه ۶- ابوعلی احمد الحظیب الشجری ابن امام سجاد علیه السلام ۷- ابو جعفر محمد بن احمد ۸- ابو محمد حسن بن احمد. ۹- ابوعلی احمد بن حسن که همه آن‌ها از بزرگان امامزادگان و سادات بوده‌اند. (۱۲۸)

### موسی مبرقع

نخستین کسی که از فرزندان امام در سال ۲۵۹ ه.ق به قم آمد، حضرت موسی بن امام جواد علیه السلام است و فرزند بلافاصل امام نهم می‌باشند و قبر مبارکش به نام بارگاه شاهزاده موسی مبرقع در کنار مقبره چهل اختران واقع در خیابان آذر شهر قم معروف و مشهور است، وی در شب چهارشنبه ۲۲ ربیع الثانی سال ۲۹۶ از دنیا رفت و اکنون مزار او با گنبد و صحن باشکوه مورد توجه است. (موسی شمایل زیبا و صورتی نورانی داشت و به روی خود نقاب می‌افکند، از این رو او را موسی مبرقع خواندند.) او شخصی جلیل القدر بود، محدث نوری کتاب مستقل به نام (بدر مشعشع) در زندگانی او نگاشته است، همه سادات رضوی از نسل او هستند محلی که هم‌اکنون مرقد او در آن قرار گرفته، خانه او بوده است و در کنار قبرش یکی از نواده‌هایش احمد بن محمد بن احمد بن موسی مبرقع مدفون است. (۱۲۹)

### امامزادگان معروف قم

هنگامی که حضرت رضاعلیه السلام ناگزیر شد به دعوت مأمون در سال ۲۰۰ ه.ق از مدینه به خراسان آمده و مأمون ولایت عهدی حکومت را به آن حضرت واگذارد امام زادگان بسیار و سادات عالی مقام به شوق دیدار حضرت رضا علیه السلام از حجاز به ایران آمدند، ولی با دشمنان اهل بیت علیهم السلام روبرو شدند، بعضی به شهادت رسیدند و بعضی متواری گشتند، بسیاری از آن‌ها به خاطر آن که قم در آن عصر، مرکز شیعیان و طرفداران خاندان نبوت بود، به قم آمدند و در قم رحلت کردند. مطابق قول مشهور ۴۴۴ امام زاده (فرزند بلا- واسطه و با واسطه امامان علیهم السلام) وارد قم شدند و در قم اقامت نمودند، احمد رازی یکی از نویسندگان معروف عصر شاه عباس کبیر (شاه معروف صفویان) که شرح مبسوطی درباره قم نوشته، خاطر نشان ساخته است که سرزمین قم بیش از ۴۴۴ تن از اولاد و نوادگان امامان معصوم علیهم السلام در بر گرفته است. شیخ زکی باغبان در اشعار عمیق خود می‌گوید: هستند چهارصد و چهل و چار از شرف مدفون به امر حق همه چون در این صدف اولاد مرتضی علی ان شاه لو کشف فرقی میان قم و کوفه و نجف جان می‌دهند اهل خرد بر نثار قم (۱۳۰) در اینجا به شرح امام زادگان معروفی که بی‌واسطه و یا با چند واسطه به امام معصوم علیه السلام می‌رسند به اختصار می‌پردازیم. بسیار شایسته و بجا است که زائران حضرت معصومه عليها

السلام امام زادگان قم را فراموش نکنند و به زیارت قبور آنها هم بروند، به راستی زیارت آنها و اظهار ادب به پیشگاه آنها زیارت و اظهار ادب به پیشگاه خود امامان علیهم السلام است.

### چهل اختران

در کنار بقعه موسی مبرقع علیه السلام مرقد بزرگ با ساختمان شکوهمندی است که چهل اختران نام دارد، به طوری که از کتیبه‌ای که در آنجا در سال ۵۸۱ ه. ق نوشته شده مقبره جمعی از سادات و امام زادگان است (در نزدیک چهل اختران اواخر خیابان آذر مزاری به نام سید سربخش هست، وی به اسماعیل بن محمد بن جعفر الصادق علیه السلام معروف می‌باشد). ولی بنای باشکوه ساختمان آن در سال ۹۵۰ ه. ق توسط شاه طهماسب صفوی ساخته شده است. در آنجا ام سلمه و ام کلثوم دختران محمد بن احمد بن موسی مبرقع و جمعی دیگر، دفن شده‌اند و همچنین قبر محمد بن احمد بن موسی مبرقع و محمد بن موسی مبرقع در آنجا است. (۱۳۱)

### شاه حمزه

یکی دیگر از امامزادگان معروف، حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام برادر شاه چراغ شیراز (احمد بن موسی بن جعفر) است. که در مقبره او اختلاف است، که آیا همین است که در قم در کنار خیابان آذر، بارگاه مجلی دارد و یا بارگاه معروف کنار بقعه حضرت عبدالعظیم، و یا در اطراف شیراز بقعه‌ای است که به نام حمزه بن موسی بن جعفر علیهما السلام می‌باشد. (۱۳۲)

### شاهزاده احمد

در کنار قبر امام زاده حمزه مقبره دیگری معروف به امامزاده احمد هست که نسبت او را چنین نوشته‌اند: احمد بن اسحق بن ابراهیم بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام. (۱۳۳)

### امامزاده سلطان محمد شریف

سلطان محمد شریف بن علی بن محمد بن حمزه بن احمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن عبدالله الباهرین امام زین العابدین علیه السلام در سمت دروازه قلعه، بقعه و گنبد متوسطی دارد و آن محله در قم معروف به نام او می‌باشد. آن جناب از امامزاده‌های بسیار جلیل القدر و معتبر قم است و جد بزرگوار امام زاده یحیی مدفون در تهران می‌باشد، از تعبیرات عالی المضامینی که علامه بزرگوار شیخ منتخب الدین در اول فهرست خود که به اسم امامزاده سلطان محمد شریف و امامزاده یحیی تألیف نموده جلالت قدر آن دو بزرگوار معلوم می‌شود. (۱۳۴)

### امامزاده علی بن جعفر علیه السلام

علی بن جعفر الصادق علیه السلام عریضی، مردی عالم و پرهیزکار بوده و زمان چهار امام را درک کرده است، قبر مقدسش در آخر خیابان چهار مردان معروف به در بهشت است و دارای صحن و ضریح چوبین و بارگاه مجلی می‌باشد. رواقش از کاشی‌های قرن هشتم آراسته شده و از آن کاشی‌ها در موزه آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام موجود است. دو مزار دیگر نیز به او منسوب هستند: (۱۳۵) ۱ - در خارج قلعه سمنان ۲ - در قریه عریض در یک فرسخی مدینه.

## باغ گنبد سبز

در بیرون دروازه کاشان (آخر چهارمردان) باغی بود معروف به باغ گنبد سبز که در آن جا سه بقعه مجلل و ممتاز هست که منسوب به بزرگان و شخصیت‌های برجسته قم می‌باشد و اکنون آن باغ به میدان و ساختمان تبدیل شده است. در مقابل گنبد سبز، بقعه‌ای است که در کتیبه آن نوشته شده مضجع ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهما السلام. (۱۳۶)

## امام زاده سید علی معروف به شاه سید علی علیه السلام

مرقد این امام زاده در دروازه ری (خیابان ۱۵ خرداد) واقع شده است، نسب‌نامه وی چنین است: علی بن ابراهیم بن ابی جعفر حسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس بنابر این حضرت عباس علیه السلام جد سوم او است. این امام زاده مورد توجه خاص مردم است و همواره زائران بسیار دارد و مردم کرامات فراوان از محضر او دیده‌اند، او نوزده پسر داشت، از جمله عبیدالله بن علی که سیدی شجاع بود، و کتاب جعفریات را که دوره کامل فقه شیعه در چند جلد است، تألیف نموده در سال ۳۱۲ ه. ق رحلت کردند. (۱۳۷)

## امام زاده احمد

در نزدیکی مزار شاه زاده سید علی، مزار شاه زاده احمد علیه السلام است، مطابق آنچه در روی قبرش نوشته شده: این بزرگوار از نوادگان محمد بن حنفیه است، دارای بقعه و صحن متوسط و گنبدی از کاشی می‌باشد، و در صفحه سقف آن، نام‌های مبارک چهارده معصوم علیهم السلام را به خط ثلث از گچ بیرون آورده‌اند. (۱۳۸)

## امام زادگان خاک فرج

در انتهای خیابان خاک فرج، مرقد شریف دو امام زاده (پدر و پسر) به نام‌های: امام زاده احمد و امام زاده علی، ملقب به حارث، از نوادگان امام سجاده علیه السلام قرار گرفته، که دارای بارگاه مجللی و صحن و سرای زیبا است. (۱۳۹)

## امام زاده صفورا و عمویش

در پشت بارگاه امام زاده خاک فرج، بقعه‌ای وجود دارد، معروف به بقعه صفوراء که از نوادگان حضرت علی علیه السلام می‌باشد، در جنب مرقد حضرت صفوراء علیها السلام مرقد عموی او معروف به امام زاده محمد علیه السلام از نوادگان حضرت علی علیه السلام قرار گرفته است، بنای گنبد این مرقد در سال ۳۷۸ ه. ق ساخته شده که کلمه صفورا به حساب ابجد مطابق با ۳۷۸ است که نشان دهنده سال وفات سیده صفورا و سال بنای بقعه و گنبد او است. (۱۴۰)

## امام زاده ناصر علیه السلام

امام زاده ناصر از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام می‌باشد که معروف به شاه زاده ناصر علیه السلام است که بقعه او در خیابان آذر روبروی در بزرگ مسجد امام، نزدیک پل قرار داد. نسب‌نامه او چنین است: ناصرالدین علی بن مهدی بن محمد بن حسین بن زید بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن عبدالرحمن بن محمد البطحایی بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام، که در اواخر قرن هشتم و آغاز قرن نهم می‌زیسته و از شخصیت‌های برجسته آن زمان بوده است. و این که به زبان عوام، معروف است که در این بقعه مرقد احمد بن اسحاق قمی و کیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم قرار داد، نادرست است، این

توهم از اینجا ناشی شده که گفته‌اند احمد بن اسحاق، مسجد امام را به امر امام حسن عسکری علیه السلام ساخت و قبرش در کنار همین مسجد قرار داد، ولی حقیقت این است که احمد بن اسحاق رحمه الله هنگام بازگشت از سامرا، در سرزمین سرپیل ذهاب نزدیک اسلام آباد غرب وفات یافت و در همانجا به خاک سپرده شد و در آنجا دارای گنبد و بارگاه است. (۱۴۱)

### شاهزاده احمد قاسم علیه السلام

از جمله امامزادگان معروف قم، شاهزاده احمد فرزند قاسم بن احمد بن علی بن جعفر الصادق علیه السلام است. او مردی پرهیزکار و عابد بود. قبر شریفش در جنوب قم در محله دروازه قلعه واقع است. فاطمه خواهر گرامیش نیز در همانجا دفن است، بقعه و صحن متوسطی دارد و تاریخ بنای آن را سال ۷۰۸ ه. ق نوشته‌اند. (۱۴۲) امام زادگان دیگری نیز در قم و اطراف قم وجود دارند که شرح حال آن‌ها در کتاب‌های زیر آمده است که علاقه‌مندان می‌توانند به آن‌ها مراجعه نمایند. مختار البلاد در تاریخ قم تألیف ناصرالشریعه، راهنمای قم تألیف آقای برقی گنجینه آثار قم تألیف آقای عباس فیض، ترجمه تاریخ قم و باب الرضوان فی مناقب سلطان خراسان.

## فصل ششم: مساجد معروف و شخصیت‌ها و پادشاهان مدفون در قم

### مساجد معروف قم

#### اشاره

در شهر مذهبی قم مساجد فراوانی وجود دارد، در اینجا نظر خوانندگان محترم را به معرفی چند مسجد معروف و قدیمی جلب می‌کنیم:

#### ۱ - مسجد مقدس جمکران

یکی از مساجد معروف و مشهور قم، مسجد شریف جمکران است که در نزدیکی و در طرف شرقی شهر مقدس قم، سمت جاده قم کاشان واقع شده است که از همان آغاز بنا تا به امروز، شیفتگان و دلدادگان حضرت مهدی علیه السلام با حضور گرم و خالصانه خود و با سرشک اشک و ناله، خاضعانه چشم به راه فرج مبارکش به دعا و نماز و زاری می‌پردازند. تاریخچه این مسجد مقدس طبق نقل محدث بزرگ شیعه مرحوم میرزا حسن نوری رحمه الله در کتاب شریف نجم الثاقب چنین است: شیخ فاضل حسن بن محمّد بن حسن قمی که از بزرگان و علمای شیعه و هم‌زمان با شیخ صدوق رحمه الله بوده، نقل کرده است: شیخ حسن بن مثله جمکرانی که یکی از صلحا است، می‌گوید: من شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان ۳۹۳ ه. ق در منزل خود در قریه جمکران خوابیده بودم، نیمی از شب گذشته بود که ناگاه عده‌ای از مردم به در خانه من آمدند و مرا بیدار کردند و گفتند: برخیز و مولای خود حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام را اجابت کن که تو را طلب نموده است. حسن می‌گوید: من برخاستم و خود را جمع و جور کرده و آماده شدم، گفتم: بگذارید تا پیراهنم را بپوشم. آواز دادند که «هو ما کان قمیصک»، آن پیراهن را نپوش که از تو نیست. دست بردم و شلوار خود را برگرفتم، ندا آمد که «لیس ذلک منک فخذ سر او یلک»، آن شلواری که برگرفتی از تو نیست، از آن خود را بردار. آن را انداختم و شلوار خود را برگفتم و پوشیدم، آن‌گاه به طرف کلید رفتم تا درب منزل را باز کنم، آواز دادند که درب باز است. چون به در منزل آمدم جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم، جواب دادند. آن‌ها مرا به مکانی که اکنون مسجد جمکران است آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن پهن و بالش‌های فاخر بر آن نهاده و



جوانی سی ساله بر آن تخت و بر چهار بالش تکیه کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته و کتابی در دست گرفته و بر آن جوان می‌خواند و بیشتر از شصت مرد اطراف او بر این زمین در حال نماز خواندن بودند که بعضی جامه‌های سفید و بعضی دیگر جامه‌های سبز بر تن داشتند. آن پیرمرد حضرت خضر علیه السلام بود و مرا آمر به نشستن نمود، آن‌گاه امام علیه السلام اسم مرا بردند و فرمودند: برو به حسن مسلم بگو: تو پنج سال است که این زمین را تصرف کرده و در آن کشاورزی می‌نمایی، ولی ما آن را خراب می‌کنیم. این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین‌های دیگر برگزیده و شرافت داده است، امسال باز هم آن را مرتب نموده‌ای تا در آن به کشت و زرع پردازی و حال آن که تو را چنین اجازه و حقی نیست. بنابراین هر بهره و نفعی که تا به حال از این زمین برگرفته‌ای باید برگردانی تا در این مکان مسجدی بنا کنند. خدای عزوجل به خاطر این امر خلافی که انجام داده‌ای و آن را جزء زمین خود گرفته‌ای، دو پسر جوان تو را باز گرفت اما آگاه نشدی، اگر باز هم بخواهی چنین کنی کیفر الهی آن گونه که آگاه نباشی، به تو خواهد رسید. عرض کردم: ای آقا و مولایم! برای این موضوع باید نشانه و علامتی داشته باشم؛ زیرا مردم بدون نشانه سخن مرا قبول نمی‌کنند. امام علیه السلام فرمود: ما در اینجا علامت و نشانه قرار می‌دهیم. تا سخن تو را تصدیق نمایند، تو برو و رسالت ما را انجام ده. در قم نزد سید ابوالحسن برو، به او بگو تا با تو بیاید و حسن بن مسلم را حاضر نماید و منافع چند ساله را از او بگیرد و به مصرف بنای مسجد برساند. بقیه مخارج را از قریه رهق ارده‌ها که ملک ماست بیاورند و ساختمان مسجد را تمام کنند، نصف روستای رهق را بر این مسجد وقف کردیم که هر ساله درآمد آن را بیاورند و صرف ساختمان مسجد نمایند. مردم را بگو تا به این مکان رغبت نمایند و آن را عزیز دارند. هم‌اکنون به همت تولیت محترم و کمک‌های مؤمنین و خیرین علاقه‌مند به وجود مبارک حضرتش شاهد توسعه فضای مسجد هستیم و امیدواریم هرچه زودتر به نحوی که در خور شأن این مکان شریف است به پایان رسد.

## ۲ - مسجد امام حسن عسکری علیه السلام

این مسجد عظیم نزدیک حرم (بین حرم و بازار، در خیابان حضرتی) واقع شده که به صورت ابتدایی توسط احمد بن اسحاق اشعری قدس سره به امر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ساخته گردید، بدیهی است که سال‌های بعد به توسعه و تعمیرات و بازسازی‌های جدید پرداخته شد. در دوران صفویه و قاجاریه تغییرات و اضافاتی در آن شده است و نیز توسط مرحوم آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی رحمه الله قسمت سرداب و مسجد بالای سرداب به طور کلی عوض شده و اخیراً نیز توسط حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی قدس سره به صورت گسترده طبق معماری جدید مسجد توسعه یافته است.

## ۳ - مسجد جامع (جمعه)

این مسجد از بناهای قدیمی است، تاریخ اصل بنای آن درست روشن نیست ولی تاریخ کتیبه بالای ایوان بزرگ را ۵۲۹ ه.ق نوشته‌اند. اما این تاریخ سند ساخت مسجد به شمار نمی‌آید. این مسجد از نظر قدمت و وسعت و مجلل بودن بنای آن تاریخی و دینی است. این مسجد در عصر حضرت رضا علیه السلام وجود داشته است و دعبل خزاعی اشعار خود را در آن، برای مردم خوانده است.

## ۴ - مسجد عشقعلی

از بناهای قدیمی و ظاهراً در دوره شاهان صفوی ساخته شده است و در اوائل خیابان چهار مردان قم می‌باشد. معلوم نیست که وجه نام‌گذاری این مسجد به عشقعلی به خاطر آن است که نام بانی آن عشقعلی بوده است و یا به عشق علی علیه السلام این مسجد را

ساخته‌اند؟

**۵ - مسجد بالاسر**

این مسجد در کنار حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام واقع شده و اینک به صورت بسیار جالب و وسیعی در آمده است (نامش مسجد است و جزء حرم می‌باشد، ولی مسجد شرعی نیست، زیرا محل دفن اموات است) بسیاری از مراجع و بزرگان علم و شهیدان والا مقام انقلاب اسلامی در این مکان مقدس به خاک سپرده شده‌اند.

**۶ - مسجد محله پنجه علی**

این مسجد در محله پنجه علی واقع شده درباره ساخت این مسجد دو قول را ذکر نموده‌اند: یکی این که چون بالای محراب مسجد جای پنجه‌ای است، لذا گویند پنجه علی علیه السلام است. و دیگر آنکه ظاهراً پنج نفر که نام آن‌ها علی بوده، آن را ساخته‌اند، از این رو به چنین نامی شهرت یافته است. این مسجد در سال ۵۸۸۶ ق ساخته شده است. (۱۴۳)

**۷ - مسجد اعظم**

از مساجد بسیار عظیم و با اهمیت قم است که در کنار حرم حضرت معصومه علیها السلام واقع شده و در قم از نظر بنا و ساختمان و اهمیت، بی‌نظیر است. این مسجد به امر حضرت آیه الله العظمی بروجردی قدس سره ساخته شده است. روز ۱۱ ذی القعدة ۱۳۷۳ ه. ق مصادف با ولادت حضرت رضا علیه السلام حضرت آیت الله العظمی بروجردی اولین کلنگ بنای آن را طی مراسم با شکوهی بر زمین زدند. و در کنار آن وضوخانه مجهزی نیز ساخته شد و آن وضوخانه در سال ۱۳۷۴ شمسی به همت تولیت آستانه تجدید بنا گردید. و هم‌اکنون زائرین با کمال راحتی از این مسجد استفاده می‌کنند. این مسجد از آغاز تاکنون همچون یک دانشگاه بزرگ، محل تدریس آیات و مراجع بزرگ بوده و هست و طلاب علوم اسلامی اکثر استفاده را از آن نموده‌اند.

**شخصیت‌های برجسته شیعه در قم**

قابل توجه این که: وجود افراد گران مایه و عالی مقام و شخصیت‌های برازنده که مورد لطف و نظر امام معصوم علیه السلام بودند، و در شیعه بودن خود استوار و پابرجا بودند در این موضوع در شیعی بودن مردم قم بسیار مؤثر بوده، بلکه می‌توان یگانه عامل بروز تشیع مردم قم را از آنان دانست که امام برحقشان فرمود: «لَوْلَا الْقُمِّيُونَ لَضَاعَ الدِّينُ» «اگر قمی‌ها نبودند، دین نابود می‌شد.» (۱۴۴) این افراد لایق که پرورده مکتب امامان معصوم علیهم السلام بودند، مرکز خود را قم قرار دادند، آنها بیش از صد نفر بودند که برخی از آن‌ها بارها به محضر امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام رسیده بودند. و بعضی صاحب فتوا و از طرف امام علیه السلام در قم نیابت داشتند، به عنوان مراعات اختصار در اینجا نام چند نفر از آن‌ها را می‌بریم: مانند آدم بن اسحاق، زکریا ابن ادریس، زکریا بن آدم که حضرت رضا علیه السلام وی را ستوده است. (قبر مبارک هر سه در قبرستان شیخان قم است) اسحاق بن آدم و اسحاق بن عبدالله از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام نقل روایت می‌کنند، و آدم بن عبدالله بن سعد قمی از اصحاب امام صادق علیه السلام است و ابراهیم بن هاشم ابواسحاق قمی که از اصحاب امام رضا علیه السلام است و عمران بن عبدالله و ... (شرح حال هر کدام از این بزرگان در کتب رجالی به طور مشروح آمده است)

**شخصیت‌های معروف مدفون در قم**



شخصیت‌های برجسته‌ای که در طول تاریخ، در قم به خاک سپرده شده‌اند بسیارند، در اینجا به لحاظ رعایت اختصار به بعضی از این بزرگان اشاره‌ای داریم: ۱- علی بن حسین بن موسی بن بابویه معروف به ابن بابویه پدر شیخ صدوق رحمه الله وی به سال ۳۲۹ ه.ق در قم وفات یافت، مرقدش دارای بارگاه باشکوهی است که جنب آغاز خیابان چهارمردان در قسمت چپ، قرار گرفته است. ۲- زکریا بن آدم از اصحاب امام رضا علیه السلام ۳- علی بن ابراهیم مفسر بزرگ و معروف و محمد بن قولویه که قبرشان در کنار باغ شهرداری سابق قم می‌باشد. ۴- قطب راوندی محدث و فقیه بزرگ شیعه در قرن ششم که قبرش در صحن نو، قسمت جنوب، مرتفع و مشخص است. ۵- آیت الله میرزای قمی قدس سره که در سال ۱۲۳۱ ق در ۷۹ سالگی وفات کرد و قبرش در شیخان قم مزار شیفتگان و حاجتمندان است. ۶- مرحوم آیت الله سید محمد حسینی کوه کمری معروف به حجت از مراجع تقلید، وی در سال ۱۳۷۲ ه.ق وفات کرد و مرقد شریفش در حجره‌ای جنب مدرسه حجتیه است. ۷- مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله که در ۱۲ شوال سال ۱۳۸۰ ه.ق مطابق با ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ شمسی در قم در ۸۸ سالگی وفات کرده قبر شریفش در راهرو مسجد اعظم قم در کنار مسجد بالاسر است. ۸- آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم که در ۷۹ سالگی در سال ۱۳۵۵ ه.ق وفات کرد، که مرقدش در مسجد بالاسر است. ۹- آیت الله العظمی سید محمد تقی خوانساری. آیت الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله العظمی شیخ محمد علی اراکی، آیت الله شیخ هاشم آملی، آیت الله سید ابوالحسن رفیعی و آیت الله سید رضا بهاء الدینی، آیت الله شیخ جواد تبریزی، آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم قمی، آیت الله شیخ مرتضی حائری، آیت الله سید مرتضی پسندیده اخوی گرامی حضرت امام رحمه الله، آیت الله شیخ فضل الله نوری، آیت الله سید محمد محقق داماد، آیت الله شهید مطهری و مفتاح و آیت الله ربانی شیرازی و ...

### پادشاهان مدفون در قم

شاهانی که در قم مدفونند، شش تن می‌باشند، چهار نفر آن‌ها از پادشاهان صفوی، دو نفر آن‌ها از شاهان قاجاریه که به ترتیب ذیل می‌باشند: ۱- شاه صفی اول پسر صفی میرزا، پسر شاه عباس کبیر. نامش سام میرزا بوده و چون به تخت سلطنت نشست نام خود را شاه صفی نهاد، وی در سن ۱۷ سالگی به سلطنت رسید و در سال ۱۰۵۲ ه.ق در سن سی و یک سالگی وفات نمود. جنازه‌اش را به قم حمل کردند و در ناحیه جنوبی حرم مطهر مدفون گردید. سابقاً بر روی قبرش صندوق بزرگی بود ولی اکنون در رواق زنانه واقع شده و قبرش با سطح رواق مساوی است و صندوق قبرش که در آن ظریف کاری‌های شده است در موزه آستانه می‌باشد. ۲- شاه عباس دوم پسر شاه صفی در سن ده سالگی به سلطنت رسید و در سال ۱۰۷۷ در خسرو آباد دامغان وفات نمود جنازه‌اش را به قم حمل نمودند و در ناحیه جنوبی غربی حرم، جایی که اکنون به نام مسجد امام خمینی رحمه الله است دفن نمودند. ۳- شاه سلیمان پسر شاه عباس ثانی، در سال ۱۱۰۵ در سن چهل و نه سالگی از دنیا رفت، جنازه‌اش را به قم آوردند و در بقعه‌ای که در ناحیه جنوبی مسجد بالاسر است به خاک سپردند. ۴- شاه سلطان حسین پسر شاه سلیمان که در سرای سلطنتی به دست اشرف افغان کشته شد. جنازه بی سرش را به قم حمل کردند و در قسمت جنوبی مسجد بالاسر در کنار قبر شاه سلیمان دفن نمودند. ۵- فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۵۰ در سن ۶۷ سالگی در اصفهان وفات نمود جنازه‌اش را به قم حمل کردند و در طرف شمال صحن کهنه در بقعه مخصوصی که خودش در حال حیاتش آنجا را ساخته بود مدفون گردید. ۶- محمد شاه قاجار پدر ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۴ در تجریش وفات یافت و جنازه‌اش را به قم حمل کردند و در قسمت غربی صحن کهنه در بقعه‌ای که جنب راهرو و مدرسه مادر شاه (۱۴۵) بود دفن نمودند (۱۴۶) باید توجه داشت که شاهزادگان بسیاری هم در جنب مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام مدفونند و همچنین از طبقه وزیران و حکام و ... نیز مدفونند مانند علی اصغر اتابک که صدراعظم ایران در زمان ناصرالدین شاه و مظفر الدین شاه بود و صحن نو را ساخت که به صحن اتابکی معروف است و همچنین کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه،

پروین اعتصامی و ... (۱۴۷).

## منابع

- ۱- احتجاج طبرسی، طبرسی. ۲- اختیار معرفه الرجال، کشی. ۳- ارشاد، شیخ مفید. ۴- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی. ۵- الغدیر، علامه امینی. ۶- الکرام الیرره، شیخ آغا بزرگ طهرانی. ۷- النقص، عبدالجلیل قزوینی رازی. ۸- انوار المشعشعین، محمد علی بن حسین کچوئی قمی. ۹- باب الرضوان، شیخ زکی باغبان. ۱۰- بانوی ملکوت، علی کریمی جهرمی. ۱۱- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی. ۱۲- برستخ نور، شرح حال آیت الله نجفی مرعشی. ۱۳- تاریخ قم، حسن بن محمد بن حسن قمی. ۱۴- جامع الدرر، حاج آقا حسین قمی. ۱۵- چهره درخشان قمر بنی هاشم، علی ربانی خلخالی. ۱۶- حضرت معصومه، فاطمه دوم، محمدی اشتهاودی. ۱۷- زندگی حضرت موسی بن جعفر، عمادزاده. ۱۸- زندگی کریمه اهل بیت علیهم السلام، علی اکبر مهدی پور. ۱۹- سفینه البحار، شیخ عباس قمی. ۲۰- شیعه در اسلام، علامه سید محمد حسین طباطبایی. ۲۱- عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق. ۲۲- فتوح البلدان، بلاذری. ۲۳- فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی. ۲۴- کشف الغمه، اربلی. ۲۵- گنجینه آثار، ج ۲ و ۱، عباس فیض. ۲۶- ماهنامه کوثر، نشریه آستانه مقدسه قم. ۲۷- مجالس المؤمنین، شیخ عباس قمی. ۲۸- مصباح الشریعه. ۲۹- معجم البلدان، بلاذری. ۳۰- منتخب التواریخ، ملاهاشم قزوینی خراسانی. ۳۱- منتخب طریحی، عبدالحسین. ۳۲- منتهی الآمال، شیخ عباس قمی. ۳۳- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی. ۳۴- ولاءها و ولایتها، علامه شهید مرتضی مطهری. و کتابهای دیگر.

## پی نوشت ها

(۱) معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۸. (۲) فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۵۴. (۳) قم را بشناسید، ص ۳۶. (۴) انوار مشعشعین، ج ۱، ص ۹۷. (۵) انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۹۷. (۶) بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۳. (۷) بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶. (۸) معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۹۷. حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی رحمه الله فرمودند: به نظر من اصح وجوه همین است که قم معرب کم است والان هم در کنار کوچه رهبر قم نهری به نام نهر کمندان معروف است. (۹) این نامها از لابلائی اخباری است که در فضیلت قم از امامان معصوم علیه السلام وارد شده. حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله می فرمود: یکی از اسمهای معروف قم (جنه البلاد) بوده است. و نیز اسم دیگر آن که اکنون نیز معروف است (در بهشت) می باشد و چون مجاور حضرت علی بن جعفر علیه السلام دروازه مهم شهر بوده به همین مناسبت آنجا معروف به در بهشت است و گرنه یکی از نامهای خود قم [در بهشت] اباب الجنه است. شرح بیشتر در مورد علت نام گذاری به قم را در کتاب گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۷۷ تا ۸۸ بخوانید. (۱۰) فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۲۵. (۱۱) صاحب کتاب شریف (انوار المشعشعین) محدث خبیر مرحوم محمد علی بن حسین بن علی بن بهاء الدین کاتوزیان کچوئی قمی از علمای قرن چهاردهم است و کتاب نامبرده را در سال ۱۳۲۵ هجری قمری نگاشته است. وی داماد مرحوم حجه الاسلام آقای امیرزا ابوالحسن فرزند مرحوم حجه الاسلام آقای حاج ملا صادق صاحب مدرسه معروف در قم (مدرسه حاج ملا صادق) بوده و این کتاب سه جلد است. جلد اول آن فقط چاپ شده که درباره قم و تاریخ ورود حضرت معصومه علیها السلام و ... می باشد. جلد دوم آن درباره امامزادگان و جلد سوم آن درباره محدثین قم است که هنوز چاپ نشده است. جلد اول با چاپ سنگی است که در سال ۱۳۲۷ قمری در ۲۴۳ صفحه به چاپ رسیده است. (۱۲) پسر یزدگرد از پادشاهان دلاور ایران باستان است که پس از پدر به جای او نشست و در زمان سلطنت خود فتوحات و پیروزیهای او بر دشمن بسیار بوده است، وی در سال ۱۸۴ قبل از هجرت دیده از جهان فرو بست. (۱۳) انوار المشعشعین، ج ۱، ص ۱۵. (۱۴) شهاب الدین ابو عبدالله، یاقوت بن عبدالله حموی صاحب کتاب (معجم البلدان) از علمای برجسته و جغرافی دانهای برازنده اسلام در قرن ۱۳ میلادی (وفات یافته ۱۲۲۹ میلادی) است. (۱۵)

ساسانیان پادشاهانی بودند که پس از اشکانیان؛ یعنی در حدود ۲۲۶ سال قبل از میلاد، زمام حکومت ایران را به دست گرفتند، پس از ظهور اسلام در قرن اول هجری توسط حمله مسلمانان شکست خوردند. (۱۶) اسکندر مقدونی، در سال ۳۳۰ قبل از میلاد به ایران حمله کرد و بر ایران مسلط شد، در همان عصر سلسله هخامنشی پایان یافت، وی در سال ۳۳۳ قبل از میلاد درگذشت. (۱۷) هخامنشیان، سلسله پادشاهان ایران باستان هستند که در سال ۵۵۸ قبل از میلاد سلطنت آنان توسط کوروش بزرگ شروع شد تا آن که سال ۳۳۰ قبل از میلاد توسط اسکندر مقدونی منقرض گردید. (۱۸) قم را بشناسید، ص ۳۷. ۱۹) دومین شاه پیشدادی که اولی آن‌ها کیومرث بوده است. (۲۰) حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی بزرگ‌ترین حماسه‌سرای تاریخ ایران و یکی از برجسته‌ترین شاعران جهان است، وی در سال ۳۲۹ ه. ق در دهکده (باز) طوس متولد شد و در حدود هشتاد سال عمر کرد و در سال ۴۱۱ ه. ق دیده از جهان فرو بست (ناگفته نماند در تاریخ تولد و فوت او اختلاف است آنچه در اینجا نگاشته شده صحیح‌تر به نظر می‌رسد) لغت‌نامه دهخدا. (۲۱) راهنمای قم صفحه ب. ۲۲) ابوموسی اشعری (عبدالله بن قیس) از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در زمان آن حضرت به حکومت زبید، عدن و سواحل یمن منصوب گردید، در زمان عمر و عثمان، حکومت بصره، کوفه و یمن را داشت. و در زمان حضرت علی علیه السلام نیز مدتی زمامدار کوفه بود. ریحانه الادب، ج ۱. ۲۳) شیعه در اسلام علامه طباطبایی، ص ۲۵. ۲۴) ترجمه تاریخ قدیم قم، ص ۱۳. ۲۵) تیمور لنگ اولین پادشاه تیموریان، مردی بی‌رحم و سفاک بود. با تاخت و تاز و بی‌باکی عجیبی در سن چهل و پنج سالگی بر خراسان تاخت. رفته رفته سراسر ایران را تحت سلطه خود آورد سرانجام در سال ۸۰۷ قمری، در سن هفتاد سالگی درگذشت، مقبره وی (گورامیر) در شهر سمرقند معروف است. ۲۶) کشف الغمه ج ۲، ص ۲۵، ص ۵۰۲. ۲۷) قاضی نور الله از علمای برجسته شیعه و هم عصر شیخ بهایی (قرن ۱۱ ه. ق) بوده است، وی به جرم انتساب به تشیع، در هند شهید شد، مرقد مطهرش در اکبرآباد هند مزار شیعیان است. ۲۸) جلد ۱، ص ۳۴. ۲۹) اهل تسنن به شیعیان رافضی می‌گویند، به این بیان که شیعیان ترک کردند گفتار زید بن علی را که گفته بود بدگویی از ابابکر و عمر و عثمان نکنید، مجمع البحرین واژه رفض. ۳۰) مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۳۵. ۳۱) گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۱۶۱ - ۱۵۹. ۳۲) حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم محمدی اشتهاردی برگرفته از گنجینه آثار ج ۱، ص ۱۵۸ - ۱۵۴. ۳۳) عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶۳، سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۷. ۳۴) بحار الانوار، ج ۶۰، تاریخ قم. ۳۵) تاریخ قم، ص ۹۸، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴. ۳۶) مجالس المؤمنین، ج ۸۳، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸. ۳۷) تاریخ قم، ص ۹۷، بحار، ج ۶، ص ۲۱۴. ۳۸) بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴. ۳۹) سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶. ۴۰) عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۶۴؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۳۱. ۴۱) تاریخ قم، ص ۹۹، مجالس المؤمنین، ج ۸۳، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵. ۴۲) تاریخ قم، ص ۱۰۰؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۶. ۴۳) بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷. ۴۴) فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۱۴۸. ۴۶) منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۲۱. ۴۷) زندگی کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۶۶. ۴۸) عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۳، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۵؛ ریاحین الشریعه ج ۳، ص ۲۲. ۴۹) لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۲. ۵۰) معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۰۷. ۵۱) قاموسی الاعلام، ج ۶، ص ۴۲۶۰. ۵۲) جغرافیای کامل جهان، ص ۷۳۵. ۵۳) لسان العرب، ج ۴، ص ۸۱ و نهایتاً ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۸. ۵۴) اصول کافی، ارشاد مفید. ۵۵) دلایل الامام، ص ۳۴۸، اثبات الوصیه، ص ۱۷۱. ۵۶) عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۴؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۷، اثبات الهداء، ج ۳، ص ۲۳۳، عوامل، ج ۲۲، ص ۲۲. ۵۷) عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۳؛ ریاحین الشریفه؛ ج ۳، ص ۲۲؛ اعیان النساء، ص ۷۶. ۵۸) ینابیع الموده، ص ۳۸۴ و عوامل، ج ۲۲، ص ۱۹. ۵۹) عیون الاخبار، ج ۱، ص ۱۲ و بحار الانوار، ج ۹، ص ۴، حدیث ۵. ۶۰) نهایتاً ابن اثیر، ج ۵، ص ۲۲۵. ۶۱) بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۷؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۴. ۶۲) زندگانی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، عمادزاده، ج ۲، ص ۳۷۵. ۶۳) زندگانی حضرت موسی بن جعفر، عمادزاده، ج ۲، ص ۳۷۵. ۶۴) حضرت معصومه فاطمه دوم، محمدی اشتهاردی ص ۱۱۳. ۶۵) وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳. ۶۶) همان، ص ۷. ۶۷) همان، ص ۱۱۷. ۶۸) اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۷. ۶۹) تذکره، ص ۳۱۵. ۷۰) بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷. ۷۱) همان، ص

۱۱۰. ۷۲) اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۱. ۷۳) حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم، محمدی اشتهاردی، ص ۱۱۷ و ۱۱۵ (۷۴) حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم، نوشته محمدی اشتهاردی، ص ۱۳؛ و کتاب برستیغ نور شرح حال مرحوم نجفی مرعشی مراجعه شود. ۷۵) بانوی ملکوت، ص ۶۹ و ۶۷. ۷۶) بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۱ و کشی، اختیار معرفه الرجال، ص ۳۲۳. ۷۷) بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳ حدیث ۲۴. ۷۸) همان، حدیث ۲۶. ۷۹) همان، ص ۲۱۴، حدیث ۳۱. ۸۰) همان ص ۲۱۵، حدیث ۳۲. ۸۱) همان، ص ۲۱۵، حدیث ۳۳. ۸۲) بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۶۳. ۸۳) مزار آقا جمال خوانساری، عمده الزائر، ص ۱۲۵. ۸۴) مرحوم میرجهانی نسخه‌ای از این کتاب را در کتابخانه مرحوم محمد سماوی دیده‌است. الجنة العاصم، ص ۱۴۸. ۸۵) الغدير، ج ۷، ص ۱۴ (۸۶) منتخب طریحی، ج ۲، ص ۳۲؛ ادب الطف، ج ۴، ص ۲۸۴. ۸۷) زندگی کریمه اهل بیت علیهم السلام، ص ۵۴ و ۵۳. ۸۸) شرف اصحاب الحدیث، ص ۱۹؛ به نقل کتاب زندگی کریمه اهل بیت علیهم السلام ص ۵۴ علی اکبر مهدی پور. ۸۹) بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۴. ۹۰) زندگی کریمه اهل بیت، ص ۵۵. ۹۱) ارشاد، ج ۲. ۹۲) لسان العرب، ج ۶، ص ۱۱۰؛ نهایت ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۱۸؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۱۹. ۹۳) احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹. ۹۴) بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵. ۹۵) تحفة الزائر، ص ۵۰۵. ۹۶) همان، ص ۳. ۹۷) مزار آقا جمال خوانساری، ص ۱۰۴. ۹۸) عمده الزائر، ص ۳۹۸. ۹۹) الکرام الیرره ج ۱، ص ۴۴۸ (۱۰۰) بانوی ملکوت، ص ۴۲. ۱۰۱) عمده الزائر، ص ۳۹۵. ۱۰۲) فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۱۱۴. ۱۰۳) جامع الدرر، ج ۲، ص ۲۲۸. ۱۰۴) النقص، عبدالجلیل قزوینی رازی، ص ۶۴۳. ۱۰۵) بانوی ملکوت، ص ۱۱۰. ۱۰۶) همان. ۱۰۷) بانوی ملکوت، ص ۹۵. ۱۰۸) بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۹. ۱۰۹) منتهی آمال، ج ۲، ص ۱۶۲. ۱۱۰) سوره آل عمران، آیه ۳۹. ۱۱۱) مصباح الشریعه، ص ۱۰۰. ۱۱۲) ولاءها و ولایت‌ها شهید مطهری، ص ۸۲. ۱۱۳) حضرت معصومه علیها السلام؛ فاطمه دوم، ص ۱۸۷. ۱۱۴) انوار مشعشعین. ج ۱، ص ۲۱۲. ۱۱۵) با توجه به این که در آن عصر برق شهر قم کم بود، و تنها برقی که موتور مستقل داشت و نور آن از دور پیدا بود، برق آستانه مقدسه بود. ۱۱۶) حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۱۹۰ به نقل از ماهنامه کوثر، نشریه آستانه مقدسه قم. ۱۱۷) انوار المشعشعین، ج ۱. ۱۱۸) سابقاً در قم نقاره‌خانه بود که اکنون در مشهد هست، طبق معمول آن زمان هرگاه کرامتی از حضرت معصومه علیها السلام دیده می‌شد، نقاره‌خانه را به صدا در می‌آوردند تا مردم را از حادثه مهم خبر دهند و هم اکنون در نیز این سنت تجدید شده است. ۱۱۹) زندگی حضرت معصومه علیها السلام، ص ۴۵. ۱۲۰) فواید الرضویه، ص ۳۷۹. ۱۲۱) گنجینه دانشمندان، ج ۱ ص ۳۹. ۱۲۲) برستیغ نور، شرح حال آیه الله نجفی مرعشی، ص ۷۷. ۱۲۳) حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۱۹۸. ۱۲۴) واحد تبلیغات آستانه مقدسه سال ۱۳۷۵ شمسی. ۱۲۵) این دو کرامت (شماره ۸ و ۹) به نقل از مرحوم آیت الله العظمی اراکی می‌باشد که سلمان عصر بود و تردیدی در راست گویی او نیست. حضرت آیت الله العظمی اراکی قدس سره در سن ۱۰۳ سالگی در ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۱۳ قمری (۱۳۷۳ شمسی) رحلت کرد، مرقد شریفش در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه علیها السلام قرار گرفته است. ۱۲۶) چهره درخشان قمر بنی هاشم علیه السلام، ج ۳، ص ۳۷۴. ۱۲۷) ماهنامه کوثر. ۱۲۸) گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۳۹۶. ۱۲۹) منتخب التواریخ، ص ۴۹۱. ۱۳۰) باب الرضوان، ص ۲۰۴. ۱۳۱) فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۱۹۸. ۱۳۲) منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۱. ۱۳۳) منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۲. ۱۳۴) منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۲. ۱۳۵) منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۱؛ رجال کشی، ص ۳۳۰؛ رجال شیخ طوسی، ص ۲۵۸. ۱۳۶) فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۲۰۸؛ منتخب التواریخ، ص ۴۹۳. ۱۳۷) گنجینه آثار قم ج ۲، ص ۲۶۲. ۱۳۸) منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۱. ۱۳۹) منتخب التواریخ، ملاهاشم خراسانی، ص ۴۹۰. ۱۴۰) گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۸ و ۲۸۷. ۱۴۱) گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۸۴. ۱۴۲) گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۲۸۴؛ فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۲۱۶. ۱۴۳) فاطمه معصومه فاطمه دوم، ص ۲۱۵. ۱۴۴) سفینه البحار، (قم) ۱۴۵) مدرسه مادر ناصر الدین شاه به نام مهد علیا مدرسه کوچکی از بناهای مادر ناصر الدین شاه، جنب بقعه مادر شاه بوده است که فعلاً قسمتی از آن دست خدام و قسمت دیگرش خراب شده و جزء

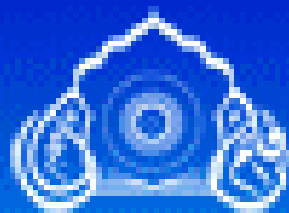
مسجد اعظم گردیده است و دیگر صورت مدرسه را ندارد و قسمتی از آن هم اکنون به صورت دفتر تشریفات حرم مطهر است. (۱۴۶) حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۲۹۱ - ۲۹۰، ۱۴۷) تاریخ مذهبی قم، ص ۱۵۹ تا ۱۵۶.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵ نکته قابل توجه اینکه

بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

